



گردشگر

مجموعه روزنامه اصفهان زیبا / سال دوم / دوره جدید / شماره اول / نیمه اول بهمن ۹۳





درب مدرسه چهارباغ / مهدی تمیزی

صاحب امتیاز شهرداری اصفهان

مدیرمسئول دکتر سیدمر ترضی سقانیان نژاد

سر دبیر رضوان اصغری

دبیر ویژه نامه نفیسه حاجاتی

مدیریت ارتباطات و تبلیغات اکبر منتشلو

طراحی و اجرای گرافیک محمدحسن لطیفی

گرددشگر
با گردشگر مقصد سفرهایتان را انتخاب کنید

تحریریه این شماره مهدی تمیزی، پری زنگنه، معین مطلق، مهدی گلی، رسول محمدی
علیرضا دامادزاده، حمیدرضا نیکوهرام، مهران محمدی، اکبر محمدزمانی
ویراستاران سمیه حفیظی، مریم مشیر پناهی، رضوان وطن خواه
با همکاری وحید شریفی، خسرو خالقی، لیلا کهلائی، زهره قندهاری

تصور کنید پدر بزرگتان، مادر بزرگ، پدر، مادر یا اقوامتان، ۵۰ سال پیش، سفری رفته‌اند به پاریس، لندن یا حتی همین شمال و جنوب ایران و عکس‌هایی در خلال سفرشان گرفته‌اند. از شماره آینده، صفحه «تاریخ سفر» میزبان عکس‌های شما از سفرهایی که تاریخشان به بیشتر از ۳۰ سال برمی‌گردد، خواهد بود. ابتدای هر ماه، به کسانی که قدیمی‌ترین و جذاب‌ترین عکس‌های صفحه «سفر تاریخ» را فرستاده‌اند، جوایزی اهدا خواهد شد.

لطفاً متون، عکس‌ها و فایل‌هایتان را به ایمیل gardeshgar.isf@gmail.com بفرستید یا فایل‌ها را با ذکر نام و نام خانوادگی‌تان، توضیحی درباره عکس و تاریخ آن، به دفتر روزنامه اصفهان زیبا، برسانید. شماره تماس یا ایمیل‌تان را هم ذکر کنید تا بتوانیم شما را از دریافت فایل و مراحل انتشار با خبر کنیم.

تلفن تماس ۰۳۱۳۲۲۹۵۱۲ فکس ۰۳۱۳۲۲۱۹۰۷۰ شماره پیامک ۰۳۰۰۴۸۳۰۸۸
نشانی اصفهان، میدان امام حسین (علیه السلام)، خیابان طالقانی، مقابل ارگ جهان نما

گزارش ویژه گردشگر از روستای زیارت در شماره آینده (نیمه دوم بهمن ماه) بخوانید.

عکس روی جلد استان گلستان، گرگان، روستای زیارت / عکاس معین مطلق

سفرها و روایت‌ها

تجربه‌های واقعی
بی روایت، بی یادگاری

همراهان اما هنوز در جیب پالتو هست. دست‌هایتان می‌لرزد. رمز ورود را می‌زنید؛ یک پیامک جدید دارید: «دیگر هیچ نشانه‌ای از این سفر نداری. فقط می‌ماند خاطراتی که در ذهنت هستند. اگر حتی یک کلمه در مورد این سفر به هر شکل روایت کنی، در زمان به عقب برمی‌گرددی و همه خاطراتت از این سفرها پاک خواهد شد. نه شوخی‌ای در کار است و نه هیچ مساله دیگری. فقط حق روایت نداری.» ناباورانه یک تاکسی می‌گیرید برای خانه. در خانه و محل کارتان هیچ کس نمی‌پرسد دو هفته کجا بودید. انکار امروز یک روز خیلی معمولی است؛ مثل همه روزهای دیگر که صبح رفته‌اید سر کار و عصر برگشته‌اید خانه. برای همه معمولی است به جز شما. موجودی حساب بانکی‌تان همان عددی است که قبل از سفر بوده؛ ۱۲ میلیون و ۳۶۷ هزار و ۱۳۵ ریال. همه چیز عادی است به جز حال و روز شما و خاطراتی که در ذهنتان از سفر دارید. پرواز پاریس - تهران دیشب درست همان ساعت نشست. قیمت بلیت لوور و قایق‌های ونیز و امکان توریستی را یک به یک چک می‌کنید. همه همان هستند که شما پرداخته‌اید. در روز ۵ ژانویه در پاریس برف آمده در حالی که ۶ ژانویه آفتابی بوده. این هم درست است. یادتان می‌آید که از روی کلیسای نتردام یک پتر خریدید و فردایش که آفتابی بود و نمی‌دانستید قرار است هوا خوب باشد، پتر را که وپال گردنتان بود، در کافه‌ای جا گذاشتید نزدیک پرلاشز. می‌توسید بقیه شواهد را بررسی کنید. سه روز طول می‌کشد تا با این اتفاقات کنار بیایید. صبح روز چهارم تصمیم می‌گیرید همه چیز را با همه احمقانه و غیرواقعی بودنش قبول کنید؛ قبل از اینکه اطرافیان تصمیم بگیرند شما را یک سر ببرند نزدیک بیمارستان خورشید!

نفسه‌حاجتی | خیلی اتفاقی همه چیز جور شده. در قرعه کشی یک بانک خصوصی برنده یک سفر تفریحی دو هفته‌ای شده‌اید. پاسپورت، پول، بلیت، ویزا همه چیز خیلی سریع آماده شده. یک هفته را در پاریس گذرانده‌اید. سه روز را در رم و ونیز، چهار روز را در دوسلدورف و کلن. همه چیز آن قدر خوب و عالی بوده که چند بار به خودتان نهیب زده‌اید که نکند خواب باشد. نکند واقعی نباشد. همان جا در دوسلدورف در اولین مقصد سفرتان، یک دفترچه کوچک خریده‌اید و هر روز خاطراتتان را نوشته‌اید. با رکوردتان صداهای محیط را جا به جا ضبط کرده و گاهی حتی خاطراتتان را به صورت صوتی ثبت کرده‌اید. دوربین عکاسی‌تان با دوکارت حافظه ۳۲ گیگا بایتی پر از فیلم‌ها و عکس‌های سفر شده. چمدانتان پر از خریده‌ها، یادگاری‌ها و سوغاتی‌هاست؛ یک چمدان شیک و جادار برای یک سفر دو هفته‌ای. همه چیز عالی بوده. در فرودگاه امام خمینی (ره) از هواپیمای شرکت لوفتانزا پیاده شده‌اید. با چمدان از گیت خارج می‌شوید. جلوی در فرودگاه چشم انداخته‌اید ببینید ایستگاه تاکسی‌ها کجاست. یک تاکسی جلوی پایتان نگی می‌دارد. سوار می‌شوید. راننده چمدان را در صندوق عقب سمندهش می‌گذارد. در صندلی عقب خسته از پرواز پلک‌هایتان سنگین می‌شود. کمی بعد احساس می‌کنید دست‌هایتان یخ زده. از خواب می‌پرید. روی یکی از صندلی‌های ترمینال کاوه نشسته‌اید. چمدانی ندارید. پاسپورتتان نیست و دوربین و رکورد و حتی دفترچه خاطرات هم. شما و پالتوی مشکی بلندتان و یک کیف کوچک دستی ناشناس. با نگرانی داخل کیف را زیر و رو می‌کنید. حتی جاکلیدی برج ایفل هم نیست. فقط کمی پول هست و کمی شکلات. تلفن

روایت‌هایی که کلیدواژه اصلی همه شان یک چیز است: «سفر». گردشگر فقط با روایت‌های تحریریه‌اش به دست شما نمی‌رسد. همه می‌توانند درباره سفرهایشان بنویسند. فقط کافی است دل‌تان بخواهد روایت کنید. روایت‌هایتان از سفر، چه متن باشند، چه عکس، برای ما ارزشمندند. اگر به جایی سفر کرده‌اید که خاص و جالب است یا نوع سفرتان ویژه بوده یا حرف متفاوتی درباره سفر دارید، برایمان بنویسید و بفرستید. اگر به نوشتن علاقه‌ای ندارید، صدای‌تان را ضبط کنید و فایل صوتی را برایمان ارسال کنید. عکس‌های سفرهای شما هم جایگاه ویژه‌ای در گردشگر خواهند داشت.

روایت، نیمی از ماجراست. قبول دارید که می‌توانیم ارزش تجربه‌ها را با اندازه‌گیری میزان ظرفیت‌شان برای روایت شدن بسنجیم؟ انگار هر چه بیشتر بتوانیم به آنها رجوع و روایتشان کنیم، ارزشمندترند. ماجرا بدون روایت، الکن است. مثل قورمه سبزی بدون گوشت، مثل کباب کوبیده گیاهی! «ویژه نامه گردشگر» ۵ اسفند ماه ۹۲ آغاز شد. ۲۸ شماره هر هفته در ۸ تا ۱۲ صفحه، درباره «سفر» نوشتیم تا رسیدیم به «مجله گردشگر» که امروز در دست شماست؛ ۳۲ صفحه که هر دو هفته یک بار منتشر می‌شود. همه تلاش «گردشگر» روایت است؛





سفرنامه: مهدی گلی
عکاس: علیرضا دامادزاده
بازنویسی و تنظیم متن: مگر دشگر

راهنمای سفر ۵ روزه به قشم

قشم گردی نه به قصد خرید!

طبیعت گردی، پرنده نگری، تفریح و خرید در بزرگ ترین جزیره خلیج فارس



کرایه کردیم و در جلسه‌ای درباره وظایفی که هر کداممان بر عهده داشتیم، صحبت کردیم. می‌دانید که در سفرهای گروهی مسوولیت پذیر بودن و به عهده گرفتن کاری که از دستتان بر می‌آید، نشان از روحیه بالای اجتماعی شما دارد و البته یک لزوم برای پیشبرد سفر است، بنابراین چه بهتر که در سفرهای گروهی کاری به عهده بگیریم و به نحو احسن انجام دهیم.

«قشم» برای خیلی‌ها معادل «خرید» است. کیلومترها سفر می‌کنند تا به این جزیره برسند، اجناس ارزان قیمت بخرند و برگردند. به شهر هم توجهی نمی‌کنند. در حالی که قشم پر از دیدنی‌ها و جاذبه‌های گردشگری قابل توجه است. ما یک گروه کوهنوردی بودیم که تصمیم گرفتیم در پاییز، نزدیک به زمستان، سفری ۵ روزه به قشم داشته باشیم. اتوبوسی

از اهل تسنن بودن اهالی قشم دارند. ما کمپمان را در کنار یکی از همین مساجد برپا می‌کنیم. شب، شعله چاه‌های گاز در دور دست منظره جالبی را رقم زده بودند. می‌نشینیم به صحبت درباره همه ثروتی که داریم؛ این گازها، نفت‌ها، معادن سنگ، ۲۵۰۰ کیلومتر ساحل، جنگل‌های شمال، چشمه‌های آبگرم، گل‌فشان‌ها، آبشارها، دره‌ها، کوه‌ها و از همه مهم تر این مردم نیک سیرت که مهم ترین گنج سرزمین ما هستند. حتی نمی‌توانیم ثروت این سرزمین کهن را تخمین بزنیم!

همین لندیکرافت‌ها می‌توانید با ماشینتان به جزیره بروید.

۲ مقصد: قشم و نمای شعله چاه‌های گاز

قشم مسحورکننده است؛ نگینی تراش خورده در میان آب‌های آبی خلیج فارس. اولین غروب جزیره را در حالی که در ساحل و در کنار کشتی‌ای به گل نشسته بودیم دیدیم؛ غروبی که زیبا و بی نظیر و به یادماندنی بود. یکی از ویژگی‌های قشم، مساجد تک مناره جزیره هستند. معماری این مساجد نشان

۱ مسیر: اصفهان، شیراز، قشم

مسیر اصفهان به قشم را به دو صورت می‌توانید طی کنید؛ مسیر اول از کرمان و سیرجان به حاجی‌آباد و بندرعباس و جزیره می‌رسد و مسیر دوم شما را از اصفهان به شیراز و سپس به قشم می‌رساند. ما مسیر دوم را انتخاب کردیم. بعد از شیراز به جهرم، لار و بندر پهل (پل) رسیدیم. اتوبوس را در لندیکرافت سوار کردیم و به بندر لافت در قشم رفتیم. اگر با اتومبیل شخصی می‌روید نگران نباشید. با



قایق سواری در میان درختانی که روی آب رویدهند و ریشه‌هایشان قابل رویت است حسایی همهمان را سرحال آورده.

۳ دیدنی‌های روز اول: جنگل‌های شناور در آب
دیدن جنگل‌های حرا اولین برنامه صبحگاهی مان است. لذت

ویژه

بوعلی سینا و درختان حرا

گونه جنگلی حرا (مانگرو) از ویژگی‌های اکوسیستم سواحل جنوبی ایران است که به طور پراکنده، از تنگه هرمز به سمت شرق و اقیانوس هند، در سواحل عمان، پدید آمده‌اند. این جنگل‌ها در سواحل خلیج فارس، در اطراف بندر لافت، شمال جزیره قشم، بندر خمیر و در کانون‌های متراکم دیده می‌شوند. ابوعلی سینا، دانشمند بزرگ ایرانی، درخت این جنگل‌ها را «حرا» نامیده است. جنگل حرا در اطراف جزیره قشم، در نواری به عرض ۵۰ تا ۵۰۰ متر کشیده شده و محدوده‌ای برابر با ۱۵۰ کیلومتر و مساحتی معادل ۸۲۳۶ هکتار را در بر گرفته است. این جنگل‌های ماندابی بر روی خاک‌های لجنی ناشی از رسوب خاک‌های حاصل از فرسایش سواحل رشد یافته‌اند و دائماً در معرض جزر و مد آب قرار دارند، به طوری که در زمان جزر، درختان و بستر لجنی آنها از آب بیرون آمده و به صورت جزایری پراکنده نمایان می‌شوند و در مواقع مد، تمامی جنگل حرا به زیر آب رفته و ناپدید می‌شود. اصولاً درخت حرا در نقاطی می‌روید که در مواقع مد دریا به زیر آب بروند.

آب شیرین کن‌های طبیعی یا علوفه دام

درختان حرا آب شور دریا را شیرین کرده و از آن تغذیه می‌کنند. این درختان یک دوره رویشی منظم دارند و معمولاً در اواخر تیرماه و اواسط مردادماه به گل می‌نشینند و میوه می‌دهند. گل آنها زرد روشن است و میوه‌شان شیرین و گواراست. میوه این درختان بادامی شکل است و پس از مدتی بر روی پایه مادری شکفته شده و دانه آن جوانه می‌زند و سپس به داخل آب می‌افتد. جریان شدید امواج، بذرها را به نواحی کم‌تحرک‌تر دریا می‌برد. بذرها پس از تثبیت بر روی لایه‌های خاک دریا، رشد و نمو می‌کند. در فاصله بین قشم و بندر خمیر، جریان امواج بسیار اندک است و بدین جهت، اکثر بذرها در همین نواحی رشد می‌کنند. درخت حرا که ارتفاع آن گاهی به چهار متر می‌رسد و قطر تنه آن تا ۳۰ سانتی‌متر است، برگ‌های بیضی‌شکل و کشیده با قاعده انتهایی بسیاری باریک دارد. برگ حرا علاوه بر خاصیت خوش خوراکی برای دام، ارزش غذایی معادل یونجه و جو دارد. دامداران سنتی جزیره قشم از برگ این درخت برای تغذیه دام و چهارپایان خود استفاده می‌کنند. وسعت این جنگل نسبت به گذشته یک روند کاهش را نشان می‌دهد. برای حفظ تعادل اکوسیستم و به منظور جلوگیری از انهدام این جنگل‌های نادر جهان، در سال ۱۳۵۱ این منطقه «حفاظت شده» اعلام شده است.



برقرار شده بود. چیزی که خیلی به چشم می‌آید و بسیار مایه تأسف است، سرازیر شدن محصولات دریایی خشک شده به این بازار و دیگر بازارهای ساحلی جزیره است. انواع مرجان‌ها، ستاره‌های دریایی، ماهی بادکنکی، گوش ماهی‌ها و ... به صورت تزیینی و تکی به وفور در دک‌های بازار ساحلی به فروش می‌رسند. سوار اتوبوس می‌شویم و راه غرب جزیره را در پیش می‌گیریم تا به جایی برویم که نماهایی از غرب وحشی را نه در ینگه دنیا که در اینجا، جنوب ایران، قشم زیبا، ببینیم!

۶ هلندی‌های ماجراجو و روباه‌ها در دره چاهکوه
«چاهکوه» نام دره‌ای بسیار زیباست که از نقش باد و باران بر دیواره‌های بلند این تنگ گرفته شده. به هر سو بنگری نقشی می‌بینی و چهره‌ای پدیدار می‌شود. دره بسیار وهم‌انگیز است و خواه ناخواه حس جست و جویی را در ما برمی‌انگیزد تا به هر دهلیز و سوراخ و چاهی سرکشی کنیم و عکسی به یادگار بگیریم. در دهانه تنگ به گروهی توریست بر می‌خوریم و از آنها راجع به تجربیات سفرشان در ایران می‌پرسیم. پنج نفر هستند و هلندی. سال‌هاست که ماجراجویی می‌کنند و به نقاط مختلف دنیا سر می‌کشند. هنوز هیجان روز گذشته آنها از دیدن «غار نمکدان» (که بزرگ‌ترین غار نمکی دنیاست) در صحبت‌هایشان موج می‌زند. از زیبایی‌های غار نمکدان می‌گویند و اینکه حیف که زمانشان کم است و نمی‌توانند غار را بیشتر پیمایش کنند. غار نمکدان و گنبد‌های نمکی

مشخص را با مدت زمان از پیش تعیین شده و مبلغ معین طی می‌کردند و این برای ما اصلاً راضی کننده نبود. برای همین مدتی را به چانه‌زنی با قایقران‌ها گذرانیدیم تا بالاخره یکی‌شان راضی شد بیشتر بماند و البته هزینه بیشتری هم دریافت کند. یکی از مهم‌ترین سوژه‌های پرندنگری‌مان «گیلان‌شاه خالدار» بود؛ یکی از گونه‌های زیبای آب‌چر با نوکی خمیده، بلند و پاهای کشیده. این پرند جزو گونه‌های تحت حفاظت در دنیا محسوب می‌شود و جزیره قشم زیستگاه حدود ۱۰۰ قطعه گیلان‌شاه خالدار است. تورهای پرندنگری در اصفهان هم برگزار می‌شوند. مثلاً موسسه آوای دشتیاران در این زمینه فعالیت‌هایی انجام می‌دهد.

۵ ماهی بادکنکی و ستاره دریایی در بازار
بعد از پرندنگری و قایق‌سواری در جنگل‌های حرا نوبت به بازار رسیده. دوری در بازاری که در کنار ایستگاه قایقرانی حرا

۴ پرندنگری در حرا
تورهای بازدید از حیات وحش و به طور خاص «پرندنگری» تجربه‌ای نو بود که نخستین بار به کمک استاد این رشته، پرویز بختیاری، با آن آشنا شدم. زمانی که فهمیدم پرندها دو گونه صدا دارند؛ یکی آواز (song) است و دیگری صدا (sound). زمانی که با دقت به پریدن پرندها نگاه کردم، فهمیدم که بعضی‌هایشان روی خط مستقیم و بعضی‌ها به طور سینوسی حرکت می‌کنند. برخی در ارتفاع بالا و بقیه در ارتفاع نسبتاً پایین‌تری پرواز می‌کنند. به همین ترتیب بود که پرندنگری شد بزرگ‌ترین علاقه مندی من بعد از کوهنوردی! دیدن گونه‌های پرند می‌تواند ساعت‌ها آدم را مشغول کند. آن قدر که حتی متوجه

گذر زمان هم نشوید. در قشم فرصت پرندنگری را غنیمت شمردیم و ساعاتی را در میان پرندها سر کردیم. اولین مشکلمان انعطاف‌پذیر نبودن قایقران‌ها بود. فقط مسیرهای

اهمیت قشم به «ژئوپارک» بودنش است. در سال ۱۳۸۵ تنها ژئوپارک خاورمیانه لقب گرفت و البته متأسفانه شش سال بعد، به سبب عدم حفاظت صحیح از آن، از فهرست یونسکو خارج شد.

ویژه

لذت خورگردی برای پژوهشگران و گردشگران

در مناطق تحت پوشش حرا که در اصطلاح خور نامیده می‌شود، عمق آب از سه متر تجاوز نمی‌کند و جنس خاک نیز بسیار شور است و بافت سنگین و قلیایی دارد. منطقه حفاظت شده حرا که در تنگ خوران بین جزیره قشم، سواحل حوزه بندر خمیر و در مصب و دلتای رودخانه مهران قرار گرفته، از سال ۱۳۵۱ انتخاب و تحت حفاظت قرار گرفته است. بندر خمیر در شمال غرب منطقه حفاظت شده مهم‌ترین شهر اطراف منطقه محسوب می‌شود بنابر پل - لافت کهنه و لافت نو نیز آبادی‌های مهم حاشیه این منطقه محسوب می‌شوند که پل در نوار ساحلی شمالی و بنادر لافت در شرق منطقه واقع شده‌اند. جاده اصلی بندرعباس به بندر خمیر از شمال منطقه عبور می‌کند و تمامی قسمت‌های منطقه به ویژه از طریق دو بندر لافت و پل توسط قایق قابل دسترسی است. این جنگل‌ها نه تنها در سطح ملی حائز اهمیت هستند، بلکه دارای دو نوع ذخیره‌گاه زیست‌کره و تالاب بین‌المللی نیز هستند. قابلیت‌های پژوهشی و آموزشی این نظام اکولوژیک استثنایی و منحصر به فرد همان قدر برای دانشجویان جذابیت دارد که دیدن غروب سحرانگیز جنگل‌های نیمه‌سناور آن برای مردم عادی.

تماشای عقاب ماهی و گیلان‌شاه

مساعد بودن شرایط اکولوژیکی، این جنگل‌ها را به زیستگاه بسیار مناسب پرندگان مهاجر در فصول سرد تبدیل کرده است. در سایر فصول نیز که پرندگان بومی محل مناسبی برای زیست نمی‌یابند، به این جنگل‌ها پناه می‌آورند. غیر از پرندگان آبی و آبچر و مهاجر، خزندگان و ماهی‌ها و حتی برخی از بندپایان و دوکفه‌ای‌ها نیز در میان این جنگل‌ها مشاهده شده‌اند. لاک‌پشت‌های سبز و عقابی و مارهای دریایی سمی، از جمله جانداران ویژه اکوسیستم جنگل‌های حرا (مانگرو) ایران هستند. حواصل بزرگ هندی، حواصل سبز و خاکستری، فلامینگو، پلیکان، انواع سلیم، عقاب ماهیگیر، کفچه نوک، کاکایی و انواع دیگری از پرندگان در اکوسیستم‌های حرای ایران زندگی می‌کنند. نقش مهم دیگر این جنگل‌ها، مناسب بودن بستر آنها برای تخم‌ریزی ماهیان خلیج‌فارس است. دیدن ماهی خزند، پرندگان نادر همچون اگرت بزرگ، گیلان‌شاه و حواصل هندی در کنار عقاب ماهیگیر، نوک قاشقی، پلیکان‌ها و فلامینگوها همیشه امکان‌پذیر نیست، اما جنگل‌ها همیشه بهار دریایی حرا همه این دیدنی‌ها را یکجا به بازدیدکنندگان خود سخاوتمندانه عرضه می‌کنند.



دارد. بچه‌ها راهنمایی می‌کنند و راهی پاکوب را در وسط آب به ما نشان می‌دهند. به آب می‌زنیم. در حالی که می‌دانیم راهی نیم‌متری است و در دو طرف گل باتلاقی. به هر حال ماجراجویی جالبی است؛ حس شعبده‌بازهایی را داریم که روی آب راه می‌روند! خورشید سرخ در کرانه دریا فرو می‌رود تا آن سوی زمین را گرما و روشنایی ببخشد. ما در کنار کارگاه لنج‌سازی چادرها را برپا کرده‌ایم و از ماهی‌هایی که صیادها به ما هدیه دادند، شامی برای خود می‌پزیم. خواب امشب بسیار دلچسب است. به ثانیه نمی‌کشد که از خستگی این راه طولانی و این روز فشرده، خوابان می‌برد. خودمان انتخاب کردیم به جای ماندن در هتل چندستاره، زیر میلیون‌ها ستاره، زیر سقف آسمان بخوابیم و این لذت زیادی دارد.

۸ شیب دراز

مامن لاک پشت‌های پوزه عقابی

صبح در کارگاه لنج‌سازی بیدار می‌شویم با انرژی و شوق برای دیدن دلفین‌ها! صبحانه خوردیم و به سمت روستای «شیب دراز» در بخش شهاب، در ساحل جنوبی قسمت مرکزی قشم، حرکت کردیم. خبرهای بسیاری درباره این روستا شنیده‌ایم؛ روستایی با ۴۵۰ نفر جمعیت و البته ساحلی که اهمیت بالای اکوتوریستی دارد و از اوایل اسفند تا اواخر اردیبهشت هر سال میزبان یکی از بزرگ‌ترین اجتماع‌های لاک پشت‌های پوزه عقابی برای تخم‌ریزی می‌شود.

۷ شب‌مانی

کمپینگ در کارگاه لنج‌سازی و شعبده‌بازهایی میان باتلاق برای شب‌مانی با توجه به کمپی بودن سفر، به دنبال مکانی امن می‌گردیم. کارگاه لنج‌سازی در لاف، نظرم‌ان را جلب می‌کند. از سرکارگر کارگاه اجازه می‌گیریم تا بازدید از کارگاه داشته باشیم هنرمندانه. چوب و آهن را در کنار هم می‌گذارند و لنج‌هایی را می‌سازند تا این هنر چند هزار ساله را سینه به سینه حفظ کنند. جالب است بدانید که «دانش ساخت و دریاوردی با لنج سنتی خلیج فارس» به عنوان هشتمین اثر ناملموس ایرانی، نزدیک به سه سال پیش، به ثبت جهانی رسیده است. در استان هرمزگان حدود ۳۰ کارگاه لنج‌سازی فعالیت می‌کنند و ما یک شب را میهمان یکی از این کارگاه‌ها در بزرگ‌ترین جزیره هرمزگان یعنی قشم هستیم و غروب را از میان لنج‌های در خشکی تماشا می‌کنیم. عجیب است که این غروب از غروب قبلی، زیباتر است. در کنار این کارگاه لنج‌سازی صیادان تورها و دام‌های خود را گسترده‌اند تا با استفاده از جزر و مد بسیار محسوس آب، ماهیانی را برای رزق خود و برای فروش در بازار به دام بیندازند. صیادان را از دور دست می‌بینیم. حدود ۲۰۰ متر با ما فاصله دارند و آب به زور تا نزدیکی زانوهای آنها می‌رسد. ناگهان تصمیم می‌گیریم به آب بزنیم. برای همین با پای برهنه وارد آب می‌شویم و تا زانو در گل فرو می‌رویم. چند بچه محلی که آنجا نشسته‌اند، خنده معناداری به ما تحویل می‌دهند. می‌فهمیم راه دیگری

دقیقا در سمت مقابل چاهکوه به سمت جنوب قرار دارند و مسیر خاکی طولانی آن کمتر گردشگران و تورها را به سمت خود می‌کشد. هلندی‌ها با هیجان زیاد از تنگ چاهکوه تعریف می‌کردند. اینکه عکس آن را دیده‌اند و به قصد دیدن این مکان بی‌نظیر طبیعی و دیگر دیدنی‌های ایران، کیلومترها راه پیموده‌اند. در ورودی تنگ چاهکوه که نزدیک‌ترین روستا به آن «چاهوی شرقی» است، سه مجسمه طبیعی به شکل سر انسان می‌بینیم. سردیس‌ها انگار همچون نگاهبانانی، ورود و خروج ما را کنترل می‌کنند! وارد تنگ که می‌شویم، چهار حلقه چاه دست‌کن را می‌بینیم که یکی از آنها، آب دارد. احتمالا محلی‌ها برای هدایت آب باران و به دست آوردن آب شیرین در این سرزمین احاطه شده در آب‌های شور، این چاه‌ها را کنده‌اند تا بتوانند از این گنج‌گران‌بها نگاهبانی کنند. قشمی‌ها قدر آب را بیشتر از ما می‌دانند. چند ساعتی را در این مکان ارزشمند و زیبا سپری می‌کنیم و عکس می‌گیریم، ولی نزدیک شدن به غروب خورشید ندای رفتن می‌دهد. در حین ترک دره چاهکوه، روباه‌هایی را می‌بینیم که در آن اطراف به دنبال شکارند و البته زیاد هم از انسان نمی‌ترسند! گویی مردمان این منطقه برای آنها خطری ایجاد نکرده‌اند. حضور روباه در اینجا نشان‌دهنده وجود کافی طعمه در این مکان است. طعمه روباه‌ها انواع جوندگان کوچک مانند جرد و جربیل و جوندگان بزرگی چون خرگوش است. همینطور پرنده‌گانی همچون کبک و تیهو.



ویژه

لاک‌پشت پوزه‌عقابی یکی از هشت گونه لاک‌پشت دریایی دنیا و جزو پنج گونه لاک‌پشت دریایی است که در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. لاک‌پشت‌های دریایی عموماً از لاک‌پشت‌های خشکی زی و برکه‌ای بزرگ‌ترند. از نیمه اردیبهشت تا تیرماه پدیده بیرون آمدن بچه لاک‌پشت‌ها از تخم، در روستای شیب دراز، قابل مشاهده است. آنها اغلب در شب برای تخم‌گذاری به ساحل می‌آیند (البته لاک‌پشت‌های نر در طول زندگی هرگز به ساحل نمی‌آیند) ولی ماده‌ها پس از رسیدن به سن بلوغ (معمولاً پس از ۳۰ سالگی) برای تخم‌گذاری به همان ساحلی می‌آیند که در آن زاده شده‌اند. در سال ۲۰۰۱ میلادی پروژه حفاظت از لاک‌پشت‌های پوزه‌عقابی در روستای شیب دراز با مشارکت مردم روستا آغاز شد. هر سال یک تیم هفت نفره از جوانان روستا با نظارت شورا از طریق قرعه‌کشی انتخاب می‌شوند و از اواخر بهمن تا اواخر تیر (پس از خروج آخرین بچه لاک‌پشت‌ها از تخم) در پروژه فعالیت می‌کنند. کارشان این است که هر شب به بازرسی ساحل بپردازند و در صورت مواجه با لاک‌پشت مادر و یا ردپای او، منتظر بمانند تا پس از تخم‌گذاری‌اش، آنها را جمع‌آوری کنند و در داخل چاله‌هایی در فنیسی که برای این منظور تعبیه شده قرار دهند تا تخم‌ها از روباه و سگ در امان باشند.



۹ کندالو، آواز ناخدا و دلربایی دلفین‌ها!

از شیب دراز به ساحل «کندالو» می‌رویم. شور و شوق جالبی بین هم‌سفران افتاده و باور دیدن عده‌ای از دلفین‌ها آن هم در آب‌های زیبای خلیج فارس، حسایی سر شوق‌مان آورده. در ساحل کندالو قایق‌ها آماده‌اند و غیر از ما گردشگران دیگری نیز به شوق دیدن دلفین‌ها به اینجا آمده‌اند. عبدو، قایقران ما، بسیار خوش‌برخورد و خوش ذوق است. به محض اینکه سوار می‌شویم، شروع می‌کند به خواندن اشعار محلی. ما روی قایق لبریز شدیم از هوای گرم دریا، آبی دوست‌داشتنی خلیج فارس، دلفین‌ها و شعرهایی با لهجه محلی. ما همچنان منتظر دلفین‌ها هستیم، دوربین‌هایمان آماده، چشم‌هامان به دریا و ناخداست. عبدو می‌گویند همیشه هم نمی‌توان انتظار دیدن دلفین‌ها را داشت و گاهی اوقات گردشگران با دست خالی به ساحل برمی‌گردند. همانطور ترس برمان می‌دارد که نکند نینیمشان. بالاخره قایق‌ها در منطقه پخش می‌شوند تا هر کدام که موفق به رصد دلفین‌ها شدند، به بقیه خبر بدهند. ناگهان از یکی از قایق‌ها صدای دست و سوت و جیغ می‌آید! بقیه قایق‌ها هم به سمت صدا حرکت می‌کنند. یک دسته سه تایی در یک طرف و دوتای دیگر آن‌سوترند. چند تایی هم اضافه می‌شوند. دلفین‌ها باهوش‌ترند و عشوه‌گر! انگار خودشان می‌دانند نمایششان چه قدر برای ما جذاب است. درست مثل یک هنرپیشه تئاتر که می‌داند چه طور هوش و حواس تماشاگرانش را برپاید. دلفین‌ها در پهنه آبی دریا تاب می‌خورند و آب بازی می‌کنند. ما هم حسایی ذوق‌زده‌ایم. دیدن دلفین‌ها در محیط طبیعی زندگی‌شان کیف بیشتری دارد تا دیدنشان در پارک دلفین‌ها!

۱۰ آبی دوست‌داشتنی ساحل مرجانی «هنگام»

یک دل‌سیر دلفین‌ها را تماشا کردیم و بعد به سمت جزیره «هنگام» می‌رویم. از ماهیان قرمز رنگی که دور قایق می‌چرخند، می‌فهمیم که به هنگام نزدیک شده‌ایم. در جزیره، اولین مقصدمان بازارچه ساحلی است. خانم‌های هنگامی با لباس محلی در بازارچه به فروش صنایع دستی و البته اجناس چینی مشغولند. خانمی در حال سرمه‌دوزی و منجق‌دوزی است. کمی آن طرف‌تر، بوی سمبوسه خانگی می‌آید. بی‌هیچ تردیدی اول به سمت سمبوسه‌ها کشیده می‌شویم! بعد هم کمی سوغات از صنایع دستی و بومی منطقه می‌خریم. اصلاً یکی از ارکان اکوتوریسم همین است؛ اینکه به چرخیدن چرخ زندگی مردمان محلی منطقه کمک کنید. البته نکته تاسف‌آور وجود اجناس چینی ارزان‌قیمت و متنوع در بازار ساحلی جزیره هنگام است حواستان باشد، به جای صنایع دستی هنگام، صنایع دستی چین را نخرید.



ساحل مرجانی «هنگام» را با آب زلال و شفافش از دست ندهید. می‌توانید آب‌تنی کنید؛ البته در حالی که مراقب جانداران زیرآب هستید و آب شیرین برای شست و شوی بعد از شنا به همراه دارید! اگر «کروکودیل» را فقط در داستان‌ها، فیلم‌ها یا سفرهای خارج از کشور دیده‌اید، در جزیره هنگام به تنها مزرعه پرورش و پارک کروکودیل کشور سرزنید. در نزدیکی این پارک، کمپینگ دائمی برای اقامت طبیعت‌گردان هم وجود دارد. بعد از دیدن تأسیسات بندری انگلیسی‌ها و غواصی می‌توانید سه روستای هنگام نو، هنگام قدیم و غیل را که با راه‌های شوسه به هم متصلند، ببینید. روستای هنگام نو، شنی است و برای پهلو گرفتن قایق‌ها مناسب است و این روستا شامل تأسیسات اسکله، پاسگاه انتظامی، کارخانه آشپزین کن، دفتر پست و مدرسه می‌شود. روستای غیل بین دو روستای نو و قدیم هنگام قرار دارد که این روستا به دلیل واقع شدن در گودی، آب بسیاری را در خود جمع می‌کند. به همین دلیل نام این روستا را به زبان محلی، غیل گذاشته‌اند. روستای هنگام قدیم هم تقریباً خالی از سکنه است. جاذبه «سنگ مادر و دختر» در نزدیکی روستای غیل است؛ سنگ‌هایی شبیه یک مادر و دختر که به اعتقاد محلی‌ها در هنگام فرار از دست زورگویان دست به دعا برداشته‌اند. در هنگام کوه و خاک قرمز (گلک) هم می‌بینید. محلی‌ها به جز ساخت و ساز، از گلک برای تهیه مربای «سوراخ» هم استفاده می‌کنند.

۱۱ ستاره‌های به دره افتاد

ظهر از «هنگام» به سمت «دره هزارتوی ستارگان» می‌رویم. برای رسیدن به دره ستارگان از روستای «برکه خلف» در دهستان «سوزا» می‌گذریم؛ روستایی که به پاکیزگی و سادگی شهره است و به عنوان یکی از پاکیزه‌ترین روستاهای ایران شناخته می‌شود. از مردم محلی برکه خلف، افسانه‌ای درباره دره ستارگان می‌شنویم؛ به این صورت که روزی ستاره‌ای از قلب آسمان بر زمین می‌افتد و به این نقطه اصابت می‌کند، بنابراین این دره زیبا و وهم‌انگیز را پدید می‌آید که به نام «دره ستاره افتیده» یا «ستاره افته» شناخته می‌شود. دره ستارگان مرا به یاد کلت‌های کویر شهداد در کرمان می‌اندازد؛ ساختمان‌های بلند گلی که فرو رخته‌اند و درهم و تودرتو نقش‌های گوناگونی را ایجاد کرده‌اند. از تپه‌ها بالا و پایین می‌رویم و عکس‌های یادگاری می‌گیریم. دیدن دره ستارگان دو ساعتی طول می‌کشد.

۱۲ غارهایی از زمان مادها

از دره ستارگان راهی غار «خریس» می‌شویم. از روستای برکه خلف تا آنجا هشت کیلومتر راه است. دور خریس را نرده‌کشی کرده‌اند و از منطقه محافظت می‌شود. در دل کوه رو به رو چند سوراخ وجود دارد و البته پلکانی برای رساندن بازدیدکنندگان به دهانه غار. می‌گویند قدمت این غارها از لحاظ تاریخی به دوره مادها برمی‌گردد و گویی برای مراسمی مذهبی کاربرد داشته است. دهانه‌های خریس شبیه به دهلیزهای دستکن لرستان، آذربایجان و کردستان است و به طور خاص مرا به یاد غار کرفتو می‌اندازد. داخل دهلیزهای تودرتوی غار، آثار دستکن را که گواهی مقدس بودن این مکان طی دوران‌های مختلف است، روی دیوارها تماشا می‌کنیم. از چهار دهانه غار بازدید می‌کنیم و بعد به سمت اتوبوس می‌رویم تا یک روز خوب را به پایان ببریم.

برای شب مانی ساحل «سوزا» را انتخاب می‌کنیم. این ساحل دارای امکانات خوبی برای کمپینگ است و سرویس بهداشتی، ساحل شنا، بوفه و امکانات لازم را دارد. امروز هم برنامه فشرده‌ای داشتیم، بنابراین پس از برپا کردن چادرها و صرف شام و اعلام برنامه فردا به هم‌نوردان، به خواب عمیقی فرو می‌رویم.

۱۳ بازار یا غار نمکی؛ مساله این است!

امروز آخرین روز حضورمان در جزیره قشم است. هنوز جاذبه‌های زیادی برای بازدید مانده و نظرات برای انتخابشان مختلف است. همین می‌شود که تصمیم می‌گیریم به دو گروه تقسیم شویم. چند نفر، به خصوص خانم‌های گروه، درخواست حضور در بازار برای خرید را دارند و گروهی هم می‌خواهند دیدنی‌های بیشتری ببینند. تا اینجا آمده‌ایم، ولی غارهای نمکی، جزیره هرمز، جزایر ناز، سایت غواصی، بازار درگهان و مزرعه تمساح نوپک را ندیده‌ایم.

بنابراین به دو گروه تقسیم می‌شویم؛ یک گروه با اتوبوس به درگهان و بازار می‌روند و گروه دیگر با مینی‌بوس برای بازدید از غار نمکی و شنا به سمت جنوب غربی جزیره روان شویم. صبح روز چهارم سفر و روز سوم حضورمان در جزیره است.

۱۴ بازدید سینه‌خیز از غار نمکدان

غار نمکدان از خود شهر قشم حدود ۹۰ کیلومتر فاصله دارد و با تابلوهای مشخص در جاده می‌توانید به راحتی آن را پیدا کنید؛ البته اگر مسیر خاکی نسبتاً طولانی شما را از ادامه راه منصرف نکند. در تنها گنبد نمکی قشم حدود ۲۰ دهانه غار وجود دارد که معروف‌ترین آنها غار نمکدان ۳ است. در دهانه ورودی غار نمکدان ۳ که در گنبد نمکی زیبایی منطقه قرار دارد، رگه‌های سفید نمک در خاک سرخ کوه منظره جالبی را به وجود آورده‌اند. این دهانه حدود شش متر است. وارد غار که می‌شوید، پس از طی مسافت حدود ۸۰ متر به بن بست می‌رسید، ولی از اینجا به بعد نیاز به فن و تجهیزات غارنوردی دارید. از دهلیز سمت چپ به صورت سینه‌خیز و گاهی نشسته باید مسیر را ادامه بدهید.

طول این غار حدود شش کیلومتر است و توصیه می‌شود حتماً از لباس‌های آستین‌دار و پاچه‌دار

استفاده کنید؛ چرا که اگر قسمتی از بدنتان زخمی شود یا توجه به نمکی بودن غار تجربه وحشتناکی خواهید داشت و باید سریع به عقب برگردید.

در ضمن حتماً در این‌گونه سفرها از یک راهنمای طبیعت‌گردی یا غارنورد حرفه‌ای بهره ببرید تا علاوه بر توصیف پدیده‌های شگفت‌انگیز زمین‌شناسی و دیدنی‌های منطقه، از وقوع حوادث ناگهانی همچون جاری شدن سیل و گم

«دره ستاره‌ها» در ۵ کیلومتری جنوب جزیره قشم و در شمال روستای برکه خلف قرار دارد و بر اثر فرسایش خاک، سنگ و ماسه ناشی از آب‌های سطحی، رگبارهای فصلی و تندبادها به وجود آمده است. آنچه از سازه‌های زمین‌ساختی در این منطقه خواهید دید، حاصل فرسایش سنگ‌های رسوبی زمین است که نمونه آن تنها در ایالات متحده آمریکا قابل مشاهده است. ارتفاع کف دره تا بخش‌های شمالی منطقه که هنوز تحت فرسایش قرار گرفته‌اند، به ۱۰ متر هم می‌رسد.

شدن پیشگیری کنید. غار نمکی یکی از پدیده‌های شگفت‌انگیز طبیعت است که دیدن آن تا مدت‌ها ذهن شما را درگیر خواهد کرد.

ولی به دلیل نمکین بودن و بلورین بودن، استلاگمیت‌ها و استلاگتیت‌های بسیار سست و شکننده‌ای دارد، بنابراین محافظت از این غارها بسیار ضروری است و هیچ گونه بی‌احتیاطی منجر به تخریب، مورد قبول نخواهد بود. توصیه می‌شود به هیچ عنوان برای بازدید از این نوع غارها بدون رعایت اصول و با تعداد نفرات زیاد عازم منطقه نشوید. به نظر من، بازدید در قالب یک تیم پنج تا هفت نفره بهترین حالت بازدید از این غار است. حدود ظهر از غار خارج می‌شویم. دیدن این همه زیبایی یکجا هدیه خداوند به ما بود و ما را به سجده شکر واداشت.

۱۵ بازارهای چینی، فروشندگان چینی و اجناس چینی درگهان

دوستانمان خریدهایشان را انجام داده اند و منتظر ما هستند. یکی از همسوردان فروشگاه‌های پیدا کرده که تجهیزات کوهنوردی و کمپینگ خوبی دارد و به ما نیز اطلاع رسانی می‌کند. ما هم که از هر فرصتی برای تکمیل و نوسازی تجهیزات استفاده می‌کنیم بعد از ساعتی آب‌تنی، به سوی درگهان حرکت می‌کنیم. بازارهای زیاد و غذاخوری‌های متنوع در این منطقه نشان از درجریان بودن زندگی و کسب و کار در این منطقه دارد. آدم‌های زیادی برای خرید مایحتاج یا برای بازرگانی به قشم آمده‌اند. ولی باز هم چین و اجناس ارزان قیمت درجه چندم در این بازارها حرف اول را می‌زند! حتی بازارهایی هست به نام بازار چینی‌ها آن‌ها با فروشندگان چینی که به امید فروش محصولات خود به جزیره آمده‌اند. فارسی دست و پا شکسته بلدند و انگلیسی‌شان هم دست کمی از آن ندارد، ولی می‌توانند اجناس خود را به خوبی بفروشند. قشم اما لوکس‌تر است و پاساژهای امروزی و تودرتو و اجناس به اصطلاح، مارکدار و مرغوب دارد.

۱۶ خداحافظی با قشم

وقت خداحافظی با ساحل طلایی و نقره‌ای قشم فرا رسیده است. دلمان برای قشم تنگ می‌شود. برای کارگاه لنج سازی و کارگرانی که در گرمای طاقت فرسای تابستان هم عرق‌ریزان کار می‌کنند. برای پرندگان حرا، برای دلفین‌ها و برای شب‌های پرستاره و زیبای قشم. شاید بعضی از شما امکان همراهی با تورهای گروهی را نداشته باشید، ولی بخواهید به مکان‌های دیدنی قشم هم سری بزنید. آژانس‌های معتبری در اصفهان تورهای قشم را به برگزار می‌کنند و شما می‌توانید با تورهای آنها همراه شوید. تور دور جزیره قشم با مبلغ ۱۵ تا ۳۰ هزار تومان وجود دارد.

راستش را بخواهید خیلی‌هایمان عادت کرده‌ایم فقط بشنویم و تلویزیون بهترین ابزار برای تجربه دیدنی‌ها شده، در حالی که هیچ چیزی لذت‌بخش‌تر از رفتن و از نزدیک تجربه کردن نیست. حتی آن عده کمی هم که سفر را تجربه می‌کنند بیشتر ترجیح می‌دهند با تورها و برنامه‌های از پیش تعیین شده بروند تا اینکه تورهای ماجراجویی و طبیعت‌گردی را انتخاب کنند. اما کافی است یک بار سفرهای ماجراجویانه را تجربه کنید، دیگر نمی‌توانید ادامه ندهید!



سفرنامه دماوند

در جست وجوی آرش کمانگیر

از صعود تا فرود



متن و عکس رسول محمدی

دبیر آموزش و پرورش

بازنویسی و تنظیم متن: گردشگر

روز روزه‌های مرداد را تحمل کرده بود بدون برنامه غذایی مناسب که می‌بایست از ده روز قبل از صعود آغاز می‌کردیم، راهی دماوند شده بودیم. آن هم با تجهیزات ناکافی! امسال با وجود تجربه پارسال به ترتیب قله چپرو و کلار بروجن (با ارتفاع ۳۹۰۰ متر)، قله کرکس نطنز (با ارتفاع ۴۸۵۰ متر) به تعداد ۲ بار و علم کوه (با ارتفاع ۴۸۵۰ متر) را فتح کردیم. زحمت زیادی داشت و لذتی افزون‌تر از زحمات بردیم و این‌ها البته لازمه صعود به دماوند بود.

هجدهم مرداد ماه سال پیش، صعودمان به دماوند ناموفق بود. اما بعد از آن دوباره تصمیم به صعود گرفتیم. عزم را جزم کرده بودم. می‌خواستیم دوباره دماوند را زیارت کنیم و بر دامن پر مهرش گام بگذاریم. در هفتم مرداد ماه امسال به همراه یک گروه کوهنوردی با یک مینی‌بوس رهسپار دماوند شدیم. درست شب عید فطر. یکی از دلایل صعود ناموفق ما در سال گذشته، نبود آمادگی جسمانی کافی بود. با بدنی که حدود سی

از ناندل تا دماوند

می آیند و حرکت لاک پشتی ادامه می یابد. حدود ساعت ۹، ۸ صبح بود که ترافیک روان شد و یک ساعت بعد حرکت پیوسته خودروها از سر گرفته شد و بالاخره از آن هیاهو نجات یافتیم. خوشبختانه مسیر ما به سمت جاده آمل و روستای ناندل بود به همین جهت زود وارد فرعی شدیم و در جاده ای پرپیچ و خم با شیب و فراز بسیار راه را ادامه دادیم. عرض جاده کم بود و مینی بوس اجباراً با دنده سنگین می رفت. آن قدر جاده رو به بالا رفت که احساس کردیم این سربالایی بی انتهاست. از روستای «دلزنساق» و چند روستای دیگر که همگی ییلاقی و در پاک ترین هوا بودند، گذشتیم. در این ارتفاعات از جنگل های سبز و متراکم خطه گیلان خبری نیست. بیشتر چمنزار است و البته از گرمای تابستان هم خبری نیست.

۱۶ دلار برای هر کوله تا پناهگاه

ما اکنون در سرزمین مازندران همان «طبرستان» قدیم هستیم. مینی بوس جاده آسفالت را پشت سر گذاشته و به جاده خاکی همراه با سنگریزه های ریز و درشت رسیده! تکان های زیاد ماشین ناشی از ناهمواری جاده و ترافیک چندین ساعته هم حسایی همه را خسته کرده اند. گاهی

گروه کوهنوردی مسیر صعود را از جبهه شمال شرقی و روستای «ناندل» انتخاب کرده است. (مسیر صعود ناکام پارسال، جبهه جنوبی پلور بود) ساعت ۷ صبح حرکت کردیم و ۲.۳ ساعت بعد در جاده دلیجان- اصفهان متوجه شدیم خودروها در ترافیک بسیار سنگین از دلیجان به سمت اصفهان در حرکتند. به هر حال ترافیک عید فطر هم مساله ای شده! برای ما که به سمت قم و تهران در حرکتیم ازدحامی نیست تا نزدیک سپیده صبح، که ما هم گرفتار ترافیک شده ایم. از تهران که به سمت آمل حرکت می کنیم به گونه محسوسی بر تراکم خودروها افزوده می شود و حرکت ما هم کند و کندتر تا اینکه مثل هزاران خودروی دیگر که در هشت ردیف ایستاده اند، ما هم به طور کامل متوقف می شویم. حسابش را بکنید در این جاده های مرتفع که سرد هم بودند، کیلومترها ماشین چه سر و صدا، آلودگی و هنگامه ای به پا می کنند. جاده به سمت شمال یک طرفه شده بود. خودروها متر به متر حرکت می کردند و گاهی می ایستادند. مشاجره و تصادف و سبقت ها و به جاده خاکی زدن ها کم کم شروع شدند. راننده ها طاقت نداشتند. مینی بوس ما نیز از تصادف بی نصیب نماند. به ناچار طرفین با پرداخت مبلغی کنار



راه دشوار کوله داران، پیش از غروب

آغاز صعود را به بعد از نماز و ناهار؛ یعنی ساعت ۲ بعد از ظهر موکول می کنیم. در همین وقت، یک گروه ۴۵ نفره دیگر از اصفهان می رسند و با ما همراه می شوند. در آغاز راه های این چنین، ابهام و اضطرابی هست که آیا قبل از غروب می رسیم، آیا همه می توانند از پس این کار بر بیایند، ولی به هر حال باید پیش رفت. در یک شیب ملایم حرکت می کنیم اما سنگینی کوله محسوس است. مه آن چنان اطراف را فرا گرفته که اجازه دیدن چشم انداز را نمی دهد و ناگفته نماند که در اینجا، هوا بسیار متغیر است. راه پاکوب کاملاً زیگزاگ است و حدود ۶۰ نفر در یک صف حرکت می کنند. کاملاً باید قدم ها را شمرده و منظم گذاشت و دم و بازدمی هماهنگ با قدم ها داشت. در غیر این صورت کار بسیار دشوار می شود. پس از یک ساعت، کوله های سنگین ما را به استراحت ۱۵ دقیقه ای وامی دارد. آبی می نوشیم و خوشحالم که کوله را برای دقایقی کنار می گذاریم. گروه دوباره به راه می افتد. برخی افراد پرنشاط با جملاتی نیروبخش به جمع شادابی می دهند. مه غلیظ تر شده و امکان تشخیص راه پاکوب گاهی سخت می شود طوری که شک می کنیم مسیر را درست آمده ایم یا نه! اما سرپرست، قرص و مطمئن راه را ادامه می دهد. فقط

رد جاده به کلی محو می شود و ما سرگردان! گاهی به دوراهی می رسیم و باز هم سرگردان. با کمک دستگاه های موقعیت یاب و نرم افزارهای تلفن همراه راه را ادامه می دهیم. مینی بوس حدود ۱۶ ساعت است که حرکت می کند و در این جاده به تعبیر رانندگان، ماشین «جگرش درآمده» اما راننده خسته تر از ماشین است. زیبایی منطقه خستگی هم نوردان را کاهش می دهد. چشمه های آب و چمنزارها و هوای خنک، این جبهه از دماوند را از دیگر مسیرها ممتاز نموده اند. عرض جاده همچنان کم است و گاهی وحشتناک! سرانجام مینی بوس به مقصد می رسد. پیاده می شویم. لایه ای از گرد و خاک بر بارند روی سقف ماشین نشست. البته خوشبختانه از قبل چاره اندیشی شده بود و کوله ها را در یک گونی پلاستیکی گذاشته اند. تعدادی از دامداران عشایر طبرستان اینجا هستند و گاهی با قاطر و اسب، کوله های کوهنوردان را از این جا تا پناهگاه حمل می کنند. هر کوله ۵۰ هزار تومان (حدود ۱۶ دلار) هزینه دارد. اما از بخت بد ما، چون از قبل گروه دیگری تماس گرفته و نوبت گرفته اند، کوله هایمان را خودمان باید حمل کنیم. این عشایر به دور از هرگونه جلوه ای از زندگی شهری، در اینجا روزگار می گذرانند.

نزدیک است و به قدری خسته و درمانده‌ایم که نمی‌توانیم حتی یک قدم دیگر برداریم. در چمنزار بسیار زیبایی هستیم. اما سردی هوا همه را وامی‌دارد سریع در همین شیب ملایم چادرها را برپا کنیم. اینجا پیدا کردن جای صاف مثل کبریت احمر است! از آنجا که در حال حرکت گرم بودیم پس از دقایقی آرامش، هنگام غروب، لرز شدیدی همه را می‌گیرد. بالاخره چادرها به پا شده، تاریکی محیط و سرمای زیاد به اجبار، ما را به درون چادرها می‌راند. ما خوشبختانه در چادر سرپرست هستیم. جایمان گرم و عالی است و خوش به حالمان شده! مانند زندگی عشایر ساعتی از شب گذشته، سکوت همه جا را فرا می‌گیرد و ما حسرت زندگی گذشتگان را می‌خوریم. به راستی، این زود خوابیدن چه نعمتی است. اینجا، نه رادیو هست، نه تلویزیون. از تیرهای برق، جاده و ماشین و در کل هیچ خبری از مظاهر زندگی شهری نیست، یک آرامش عمیق. خوشبختانه تلفن همراه هم اینجا بازاری ندارد. آسمان امشب اینجا جلوه‌ای بی‌همتا دارد. محشر است! باور نمی‌کنید که حتی آسمان کویر هم در قیاس با آسمان دماوند، حرفی برای گفتن ندارد. باران ستاره در آسمانی که هیچ آلودگی ندارد! تمام صور فلکی امشب قابل رویت هستند. روان حافظ شیرازی شاد که

یک کوهنورد درک می‌کند حمل یک کوله سه روزه در سربالایی، آن هم در هوایی که اکسیژن آن کم‌تر و کم‌تر می‌شود، چقدر دشوار است. گاهی مه کمتر می‌شود و آسمان رخ می‌نماید، عصاهای چوبی سبک از جنس بلوط یاور بسیار خوبی برای من است و یادگار پدر آن دوست کرمانشاهی‌ام. خستگی در چهره‌ها به تدریج آشکار می‌شود. تنی چند از همراهان قبل از ارتفاع ۴ هزار متر، ارتفاع زده شده‌اند و ته قدم (نفر آخر) مجبور است آنان را همراهی و یاری کند. چند بار دیگر کمی استراحت می‌کنیم. خورشید کم‌کم به افق مغرب متمایل شده و تداعی کننده شعر استاد حمیدی شیرازی است: « به مغرب سینه مالان قرص خورشید/ نهان می‌گشت پشت کوهساران/ فرو می‌ریخت گردی زعفران رنگ/ به روی نیزه‌ها و نیزه داران» البته شاید بهتر باشد به جای مصرع آخر بگوییم: «به روی کوله‌ها و کوله‌داران!».

آسمان کویر به بالای آسمان دماوند نمی‌رسد

گاهی ما کوله‌ها را بر دوش می‌کشیم و گاهی کوله‌ها ما را این سو و آن سو می‌کشانند. مسیر با وجود زیبایی، سربالایی خسته کننده‌ای دارد. سرانجام به ارتفاع ۴۲۰۰ متری می‌رسیم. ۴۵ دقیقه با پناهگاه فاصله داریم، اما غروب



مه‌البرز را در دماوند و علم کوه تجربه کنید

بالاخره صبح می‌شود. با اعلام سرپرست، همه از خواب برمی‌خیزند. به سفارش او هیچ کس نباید صبحانه بخورد و تنها در حال حرکت باید با تنقلات مقوی و قابل هضم آن هم به طور تدریجی معده را چشم به راه نگذاریم. اینجا نه امکان وضو هست و نه امکان نماز خواندن در فضای بیرون. بنابراین تیمم می‌کنیم و به حالت نشسته سپاس یزدان را به جای می‌آوریم. اصل بر این است که همه تجهیزات کافی به همراه داشته باشند از جمله عصا، گتزر (چیزی شبیه پایچ شمالی‌ها)، کاپشن گرم، یک کوله پشتی سبک و تنقلات و خوراکی‌های مقوی. گروه جمع می‌شوند و آماده حرکت. دماوند با تمام قدرت و اهنیت و در کمال زیبایی، اینجاست جلوی رویمان! تازه می‌فهمیم عکس‌های رایج و زیبا از دماوند، از همین جبهه شمال شرقی است. در قیاس با جبهه جنوبی دماوند (از سمت پلور) اینجا، بهشت است. اکنون آسمان صاف و زلال است و یک تابلوی تمام عیار پیش چشم ما. برف قلّه با سفیدی‌اش، آسمان یا رنگ لاجوردی‌اش، دشت با چمن‌های زمردین و کوه با رنگ‌های گوناگونش، چه نگارستانی در دست کرده اند! پس از چند دقیقه حرکت می‌بایست نرمش کنیم. در حین نرمش، خورشید از پشت کوه‌های البرز بالا

فرمود: «چییست این سقف بلند ساده بسیار نقش/ زین معما هیچ دانا در جهان آگاه نیست».

مصایب شب‌مانی در دماوند

همه لباس‌هایمان را روی هم پوشیده‌ایم و در کیسه خواب به زحمت می‌خوابیم. زمین شیب دارد بنابراین باید حواسمان باشد لیز نخوریم. چشمه کوچک آبی که نزدیک ما قرار دارد یخ زده، جالب است همین روزها در جنوب کشور خرمایزان است. اما ما در هشتم مرداد، سرمای شب چله را تجربه می‌کنیم. دو ساعتی از خواب ما گذشته. ساعت ۱۲ شب است که با سرو صدایی از خواب می‌پریم. متوجه می‌شویم یکی از قاطرچیان محلی است که بار و کوله چند هم‌نورد را آورده است. وظیفه‌شناسی خود را بجا آورده اما در سرمای شب گرفتار شده و امکان بازگشت ندارد. التماس می‌کند می‌گوید اگر این موقع برگردد حتماً از سرما تلف می‌شود! برایش چادری برپا می‌کنیم. یک نفر زیرانداز مازادش را می‌دهد، یک نفر دیگر چادر مسافرتی و هر کس، چیزی می‌دهد تا از گرم بودن او خاطرمان جمع شود. بی‌خواب شده‌ایم. از آن طرف لیز خوردن در کیسه خواب هم مساله دیگری است.



می‌آید. همان که منوچهری دامغانی هزار سال پیش سروده: «سر از البرز برزد قرص خورشید / چو خون آلوده مردی سر ز مکنم/ به کردار چراغ نیم مرده/ که هر ساعت فزون گرددش روشن». خورشید اشعه طلایی‌اش را بر دماوند افکنده و بهترین فرصت شکار عکاسان فراهم است. واقعا تماشای این صحنه را برای خودم توفیق و از الطاف الهی می‌دانم. ای ایرانیان، مهر البرز را در دماوند و علم کوه تجربه کنید. مطمئنم که برایتان تولدی دوباره است. اینجا نه تنها از چشم‌اندازهای فرنگ هیچ کم ندارد، بلکه پذیرای هزاران میهمان فرنگی در طول سال است.

فرار از ارتفاع زندگی

قدم‌هایمان با افزایش ارتفاع، آهسته‌تر می‌شوند. اکسیژن کمتر و نفس‌ها سنگین‌تر! ساعت ۱۱ صبح است. کم‌کم خستگی در رخسار کوهنوردان آشکار می‌شود. با تنقلات تدریجی، بدن را یاری می‌کنیم. شاید باورتان نشود، هر پنج دقیقه هوا تغییر می‌کند، ولی در کل هرچه بالاتر می‌رویم، هوا سردتر می‌شود. اگر خیلی خوش‌بین باشیم، می‌توانیم بگوییم ساعت سه عصر به قله می‌رسیم. اما باید زمان لازم برای برگشت را هم در نظر بگیریم تا با تاریکی و خطرات ناشی از آن روبرو نشویم. چند نفری به خاطر خستگی و نبود آمادگی بدنی کافی مجبورند بمانند یا برگردند. اما کاروان به راهش ادامه می‌دهد. باز هم گام‌های کوهنوردان آهسته‌تر می‌شود. کمبود غذا نیست که شرایط را دشوار کرده، ارتفاع‌زدگی است که دارد مشکل ایجاد می‌کند. برخی‌ها سردردشان شروع شده. خوشبختانه وضعیت جسمی‌ام تا اینجا در مقایسه با پارسل بسیار خوب است. علت آن هم صعود چند روز پیش به قله کرکس و علم کوه است. سرما شدیدتر می‌شود و مه غلیظی همه جا را فرا می‌گیرد. میدان دید محدود می‌شود. دماوند که ساعتی پیش با شکوهی مثال‌زدنی به ما خوش آمد می‌گفت، چهره‌ای از ما پنهان کرده و یادآور شعر ملک الشعرای بهار است: «تا چشم بشر نبیندت روی/ بنهفته به ابر چهر دل‌بند». در این سرما، نوشیدن یک چای گرم بسیار غنیمت است و نیرویی دوباره به ما می‌بخشد. دوباره حرکت و این بار هم اعلام می‌شود باید گام‌ها شمرده‌تر و نفس‌ها عمیق و منظم و پی‌درپی باشند. ساعت ۱۲:۳۰ ظهر است. تعداد زیاد گروه (۱۵ نفر گروه ما و ۴۵ نفر هم گروهی که به ما ملحق شدند) امکان حرکت سریع را از ما گرفته و زمان‌بندی را به هم زده است. شمرده شمرده گام برمی‌داریم تا بدنمان با محیط و ارتفاع سازگاری پیدا کند.

دماوند در ادبیات و اساطیر

با یک حساب سرانگشتی، تردید ما بیشتر می‌شود که آیا از نظر زمان امکان صعود هست یا نه؟ به اولین یخچال می‌رسیم و باید در سر‌بالایی تند از روی آن بگذریم. چند نفر با کلنگ کوهنوردی جای پا ایجاد می‌کنند. حرکت را ادامه می‌دهیم اما چون حرکت بسیار کند انجام می‌شود، زمان نسبتاً زیادی طول می‌کشد تا همه از یخچال رد شوند. کوچک‌ترین عجله و سهل‌انگاری چه بسا به قیمت جانمان تمام شود. عبور از یخچال اضطراب خود را دارد. در این لحظات است که اگر کسی با عشق و انگیزه کافی نیامده باشد، هزاران لعنت نثار خود می‌کند که چرا خانه و زمین هموار و امن خود را رها کرده و به اینجا آمده است! حدود ۳۰ سانتی‌متر روی یخچال برف است و زیر آن یخ‌های فشرده. نمی‌توان دقیقاً گفت این یخ‌ها چند سال است اینجا باقی مانده‌اند. شاید قرن‌ها و شاید

می‌آید. همان که منوچهری دامغانی هزار سال پیش سروده: «سر از البرز برزد قرص خورشید / چو خون آلوده مردی سر ز مکنم/ به کردار چراغ نیم مرده/ که هر ساعت فزون گرددش روشن». خورشید اشعه طلایی‌اش را بر دماوند افکنده و بهترین فرصت شکار عکاسان فراهم است. واقعا تماشای این صحنه را برای خودم توفیق و از الطاف الهی می‌دانم. ای ایرانیان، مهر البرز را در دماوند و علم کوه تجربه کنید. مطمئنم که برایتان تولدی دوباره است. اینجا نه تنها از چشم‌اندازهای فرنگ هیچ کم ندارد، بلکه پذیرای هزاران میهمان فرنگی در طول سال است.

آسمان شما را فرامی‌گیرد

ای دماوند، این میهمان کوچک‌تر را امروز پذیرا باش! آمده‌ام در فضایی از زیبایی‌ها نفس بکشم. فراتر از تنگ‌نظری‌ها و ناملازمات روزگار. آمده‌ام تا به من نیرویی بخشی تا با قلبی و روحی استوار و سرشار از اراده به اجتماع باز گردم؛ به یک زندگی پویا و مسوولیت‌پذیر. پس از نرمش، حرکت شروع می‌شود. در این هنگام دماوند و خداوند دماوند هدیه دیگری به عاشقان طبیعت تقدیم می‌کند؛ یک قوچ وحشی را می‌بینیم که چون فرشته‌های زیبا اما کمی هراسان، بالاتر از ما در حال دویدن است. بالاخره ساعت ۹ صبح به پناهگاه می‌رسیم. تازه متوجه می‌شویم اگر امکان آن بود که دیروز عصر خود را به پناهگاه برسانیم، چقدر امروز جلوتر بودیم. در پناهگاه تعداد اندکی هنوز خوابند. اما پیداست عمده افراد قبل از طلوع حرکت کرده‌اند. ساختمان پناهگاه مرتب و زیباست. هم‌نوردان، شصت نفر، در یک صف در حال حرکت‌اند. جوانان اهل ذوق همراه ما با آوازاها و تصنیف‌هایی همچون «ای ایران، ای مرز پر گهر، الهه ناز و امثال آن» نشاط و شادایی را به هم‌نوردان منتقل می‌کنند. اینجا ضمن اینکه باید حواسمان به جلو باشد، نباید از تماشای اطراف غافل باشیم. اینجا زکات چشم ادا می‌شود. حرکت ابر و مه در این ارتفاع بسیار تندتر از ارتفاعات پایین است. جالب‌تر آن که گاهی ابر و مه از پایین به سمت بالا حرکت می‌کنند و کوهنوردان را فرا می‌گیرند. در کمتر جایی از ایران این صحنه را می‌توان دید. از دیگر صحنه‌های جالب اینکه گاهی آسمان بالای سر لاجوردی و صاف و ناب و ناز





رخ می‌دهد. مسوول فنی گروه، می‌لغزد اما بخت با او یار است. به روی سینه می‌گلتد و عصایش را در برف فرو می‌کند و خود را نگه می‌دارد. یاران با طناب او را یاری می‌کنند. چون تنگنای وقت نداریم، آرام فرود می‌کنیم ضمن آن که از نظر فنی فرود سریع امکان پذیر نیست و برای بدن مضر است. چه بسا بدتر هم باشد. ساعت ۶ عصر خسته و کوفته به چادرها می‌رسیم. احساس می‌کنیم در مرفه‌ترین مهمانسراهای جهان هستیم. ناهار می‌خوریم و استراحت می‌کنیم. دیگر توان اینکه ۲۰۰ متر به سمت چشمه برویم بریمان نیست. زیادی نگذشته که غروب می‌رسد. از ترس «نه سرما» همه به چادرها پناه می‌بریم. دوباره آسمان سخاوتمندانه شمع‌های سرنگون خود را روشن می‌کند و زیباترین صحنه ممکن در شب را به عاشقان طبیعت ارمغان می‌دهد. سکوت همه جا حاکم است اما جوان ترها به رسم یادبود، همین صعود نافرجام را به نشان سپاس جشن می‌گیرند و دقایقی نورافشانی می‌کنند و پس از آن خواب را در می‌یابیم. خواب اینجا بهترین موهبت آفرینش برای کوهنوردان خسته است.

فرودی به امید صعود بعدی

در کوهستان خورشید مانند روز عرقه اعلام فرمانروایی می‌کند قبل از طلوع برای استقبال از خورشید این پادشاه زردپوش کوهستان بر می‌خیزیم. کوهنوردان و روستاییان پیش از خورشید طلوع می‌کنند. اثاث‌ها را جمع می‌کنیم. اما خوشبختانه این دفعه قاطرچی‌ها آمده‌اند تا کوله‌هایمان را ببرند. در راه بازگشت برای آخرین بار یک میش وحشی ما را بدرقه می‌کند. تا ساعت ۱۱ که به مینی‌بوس رسیدیم هیچ چشمه‌آبی سر راهمان نیست. تفاوت اکنون با وقتی که به سمت پناهگاه می‌رفتیم این است که هوا صاف و زلال است و تمام چشم‌اندازهایی که در مه غلیظ از چشم ما پنهان مانده بود اکنون نمایان است: روستاهای

دوردست، چمنزارها. خستگی چند روزه ما را دو چیز به پایان رساند؛ آب‌گرم رینه لاریجان و به دنبالش کبابی دیش یا گوشت گوسفندان دامنه‌های دماوند. به امید دیداری دوباره با دماوند این نماد و مظهر ملت ایران.

هزاران سال! برای من ادبیتی، این سوال پیش می‌آید که وقتی ناصر خسرو، شاعر پرآوازه ایرانی، هزار سال پیش از کنار دماوند رد می‌شده، آیا دیده بود که «مردم بر قله می‌روند و پوست گاو را پر از نشادر می‌کنند و به پایین می‌غلطانند» یا تنها شنونده این خاطره بوده است؟! و پرسش مهم‌تر اینکه چگونه در دوران اساطیری ایران در داستان فریدون و ضحاک این کوه شناخته شده و جزو کوه‌های نامی ایران بوده است؟ در شاهنامه نقل است که سروش آسمانی به فریدون گفت: ضحاک را به کوه دماوند ببر و او را در غاری سرنگون (آویزان) کن و فریدون نیز چنین کرد. داستان زیبای آرش نیز بر پهنه البرز روی داده؛ داستانی که سیاوش کسرای، شاعر معاصر، آن را به نظم کشیده و با خواندن آن هیچ ایرانی نمی‌تواند بی‌احساس بماند.

تدبیر و تصمیم منطقی

صحبت عبور از یخچال بود. حدود ۵۰ نفر از یخچال می‌گذرند. ساعت یک ظهر است. سرپرست ما آقای عشاقی با دیگر افراد گرم و سرد چشیده کوهستان مشورت می‌کند که آیا صعود را ادامه بدهیم یا نه. در ارتفاع ۵۲۵۰ متری هستیم. برخی افراد حتی صد متر دیگر هم توان حرکت ندارند. شاید نیمی از گروه بریده‌اند. همین چند دقیقه عبور از یخچال خیلی از کفش‌ها را خیس‌انده و باعث شده دمای بدن برخی پایین بیاید. تعدادی هم لباس مناسب ندارند. سرما هم آمان نمی‌دهد. همین یک ساعت پیش دو نفر را در حال فرود دیدیم که می‌گفتند دو نفری که دیروز صبح برای صعود رفته بودند، هنوز بعد از ۳۰ ساعت از آنها خبری نیست. با اینکه چندین سال است هر عید فطر تعداد زیادی به دماوند صعود می‌کنند، ولی دریغ از یک بالگرد امدادی یا کمک‌ها و حمایت‌های لازمی نظیر آن! گله و شکوه از فدراسیون کم نیست. پس از بگمگوه‌های فراوان آقای عشاقی، با در نظر گرفتن همه ابعاد برنامه، با عذرخواهی اعلام می‌کند: «چون هنگام برگشتمان شب می‌شود و یخچال دیگری هم سر راهمان است، نقل حکم می‌کند که صعودمان تا همین جا باشد». سرپرست بیشتر نگران رضایت و البته سلامت هم‌نوردان است و افراد گروه هم متقاعد می‌شوند که ادامه صعود به صلاح نیست. ۲۰ دقیقه وقت داریم استراحت کنیم و عکس یادگاری بگیریم با شور و هیجان عکس‌ها گرفته و جای آخر هم صرف شد. اینجا هر لیوان چای شاید یکصد هزار تومان ارزشمند باشد! زیر صخره‌ای ماری را می‌بینیم. شگفت‌انگیز است در این ارتفاع و سرما چه می‌کند؟ چه می‌خورد؟! سرپرست نگران بود که نکند توی ذوق هم‌نوردان خورده باشد. برای اینکه وی را از نگرانی درآورم، گفتم مهم‌تر از فتح قله اینجا یک درس آموختیم و آن «تدبیر و تصمیم منطقی» بود. گاهی باید علی‌رغم میل خود تا حساس‌ترین لحظه و مرحله پیش رفت اما یک قدم مانده به پایان، برگشت. اینجا بر احساس و هیجان غلبه کردیم و استدلال و منطق را پیش گرفتیم. آموختیم که کوهنوردی باید به قصد لذت بردن از کوهنوردی باشد نه رقابت‌های کذایی!

فرودی که آسان‌تر از صعود نیست!

برمی‌گردیم. به زودی باید دوباره از روی یخچال فرود بیابیم. این دفعه با احتیاطی بیشتر، چون در سراسیمی قرار داریم و جای پاهایی که قبلاً درست شده بود کمی خراب شده. با وجود احتیاط حادثه کوچکی



بخش نخست . ابن حوقل

اصفهان و گردشگران فرنگی

اولین گردشگری که درباره اصفهان نوشته ای بر جا گذاشته است، ابوالقاسم محمد - پسر حوقل بغدادی - شناخته شده به نام ابن حوقل است. بسیاری از پژوهشگران، زادگاه او را در «نصبین» (ترکیه) می دانند. او که جهانگرد و جغرافی دان نامدار عرب است، پیش از هزار سال پیش به اصفهان سفر کرد. ابن حوقل از سال ۳۳۱ تا ۳۵۹ قمری (۱) برای پژوهش در باره کشورهای مردمان گوناگون و نیز برای بازرگانی از بغداد بیرون آمده و کشورهای اسلامی را یکی پس از دیگری پیموده است. او در درازای این سفر، از شمال آفریقا به اسپانیا رفته؛ پس از مرزهای جنوبی صحرا، به مصر و بخش های شمالی قلمرو مسلمانان و سپس به آذربایجان و ارمنستان رفته است. سرانجام نیز، سفر خود را به سوی شبه جزیره عربستان و عراق و خوزستان و فارس ادامه داده و در ۳۵۸ ق. به خوارزم و ماوراءالنهر رسیده است. اما پس از آن، گم شده و گزارشی در مورد ادامه مسیر او در دست نیست. او دوستدار خواندن و دانستن در باره آثار

دانشمندانی چون «ابن خردادبه» (۲) و «قدمه» (۳) بود. همچنین در درازای سفرش با ابواسحاق فارسی (اصطخری) (۴) را دیده و چندین نقشه جغرافیایی او را اصلاح کرده است. از آثار ابن حوقل می توان به کتابی اشاره کرد که در مورد سیسیل نوشته و ناپدید شده است. همچنین کتاب نامداری نگاشته است به نام «صوره الارض»؛ این کتاب شامل داشته های بسیار گرانبهایی است از گذشته شهرها و مردم که بسیار برای پژوهشگران ارجمند است. به طور مثال او در باره «خلیج فارس» نوشته است: «دریای فارس، خلیجی از بحر محیط، در حد چین و شهر واق است و این دریا از حدود بلاد سند و کرمان تا فارس امتداد دارد و از میان همه سرزمین های مجاور آن به نام فارسی نامیده شده است؛ زیرا فارس از همه این کشورها آبادتر است و پادشاهان آنجا در روزگاران قدیم سلطه بیشتر داشتند و هم اکنون به همه کرانه های دور و نزدیک این دریا مسلطند». در ادامه، بخش هایی پراکنده از سفرنامه ابن حوقل را (با ویرایش)، پیرامون اصفهان می خوانیم:

«اصفهان بارکده (۵) فارس و جبال و خراسان و خوزستان است. در آنجا شترهای بسیاری برای جابجایی کالاهاست. از این نظر، اصفهان بر دیگر شهرها برتری دارد. همچنین در آنجا پارچه های عتایی (۶) و وشلی (۷) و سایر پارچه های ابریشمی و پنبه ای به دست می آید و به عراق و فارس و دیگر ناحیه های جبال و نیز خراسان و خوزستان فرستاده می شود. پارچه عتایی اصفهان، در خوبی بی مانند است. در آنجا زعفران و میوه های گوناگون نیز به دست می آید. از عراق تا خراسان، به جز ری، شهر بازرگانی بزرگ تر از اصفهان وجود ندارد. اصفهان ناحیه های باصفا و روستاهای زیبایی دارد. کسی که از فارس به نزدیکی این شهر برسد، پس از بالا رفتن از گردنه سرفراز، دو بخش شهر با روستاهای چسبیده به آنها - که در صفا و خرمی کم مانند است - هویدا می شود آنچه چشم از تماشا خسته نمی شود. یکی از بهترین روستاهای آن جی است که زمین های خوب و ده های بسیار دارد و به گفته برخی، به تعداد روزهای سال است. از جمله روستاهایی که پیرامون اصفهان را فرا گرفته اند، «لنجان مهران»، «جنبه کراچ»،

«کدر»، «که کاوسان»، «برخور» و «برآن» است. در اصفهان، خانه های باشکوه و کاخ هایی از آن بزرگان شهر است، چون کاخ «ابوعلی بن رستم». همچنین ساباط هایی (۸) هست که از کچ و آجر ساخته شده اند. آنجا میوه ها به اندازه ای شیرین و سالم و خوب است که مانده آن چون تازه اش، شاداب است؛ چون گلابی، به، انار و سیب و بو و مزه خوش و شکل زیبا دارد و انگورها را در انبارها آویزان می کنند. در نزدیکی آن، بر ساحل زاینده رود، آسیاب هایی است. زاینده رود آبی گوارا دارد و کاخ هایی که رو به سوی رود دارند، زیبایی ویژه ای به آن داده است. در سوی شرقی رود، «کاخ عبدالرحمن بن زیاد» و «کاخ ابوالفضل» و در سوی غربی رود، دو محله بزرگ زرکباد و تاجه است که در آنها «سَقْلَاطون» (۹) و عتایی خوب و سفال و دیگر چیزها به دست می آید. در غربی ترین بخش رود، ده «ماربانان» جای گرفته است که باغ هایی پهناور دارد. زاینده رود از دو رود جدا از هم سرچشمه می گیرد؛ یکی از «خانان» و دیگری از ناحیه «فریدن». در فریدن روستاهای پهناوری است و از آنها انواع کالاهای بازرگانی و خوردنی ها مانند عدس، روغن،

زبیب (۱۰) و انواع غلات، به جاهای دیگر می برند. گونه هایی از چهارپایان چون گوسفند و گاو دارد و سرزمینی است در فراوانی روزی و آسایش برای زندگی. اینجا از اصفهان بیست فرسخ راه است. آب خانان در «خان لنجان» (۱۱) به زمین می نشیند. خان لنجان شهری است کوچک با فراوانی روزی. در اینجا آب های گوارا و درختان بسیار و شفتالوی خوب و خوشمزه بسیار است و دژ بزرگی دارد و تا شهر، ۹ فرسخ راه است. بخشی از آب ها از روستای «مهرین» (۱۲) می گذرد. در آنجا پشته بزرگی چون کوه است و قلعه ای و آتشکده ای دارد؛ گویند: آتش آن از آتش های ازلی باستانی است و خادمان و نگهبانانی از زرتشتیان بر آن گماشته اند که بسیار توانگرانند. آنها آشامیدنی هایی را می گیرند و پس از زمانی نگاه داشتن در آن بنا، به مردم می فروشند و سود می برند و اعتقاد دارند که آن آشامیدنی بهتر می شود. آب زاینده رود چون به دروازه «شهرستان» - نزدیک خود حصار - می رسد، در نهرهای بسیاری بخش بخش شده و برپایه حقبآب پخش می کنند. این گونه است که آب زاینده رود هرز نمی رود.»



۱ برابر ۹۴۳ تا ۹۷۰ میلادی؛ سفر او در ۷ رمضان ۳۳۱ قمری برابر با ۱۵ مه ۹۴۳ میلادی آغاز شده است. ۲ ابن خردادبه، جغرافی‌دان، تاریخ‌نویس و موسیقی‌شناس ایرانی (خراسانی) در قرن سوم هجری قمری است و نویسنده کتاب «المسالك و الممالک». او از نجیب زادگان زرتشتی بود که به دست «برمکیان» اسلام آورد. به نوشته ابن خردادبه همچنین مدیریت اداره نامه‌رسانی در نواحی جبل را داشت. ۳ قدامه بن جعفر بن قدامه بن زیاد بغدادی، از نامداران ادبیات عرب است که از مسیحیت به اسلام درآمد. او در فلسفه و منطق نیز نامدار است. قدامه در سال ۳۳۷ ق. در بغداد درگذشت. ۴ ابواسحق ابراهیم بن محمد الفارسی معروف به اصطخری، از جغرافیدان‌های نامدار ایرانی در سده ۴ ه. ق. و ۱۰ م. است. نام اصطخری برگرفته از نام شهر باستانی اصطخر در استان فارس است. او هم دوره این حوقل بوده و در هند با یکدیگر دیدار کردند. نه تنها کتاب‌هایشان هم‌نام است، بلکه در بسیاری از موارد از اصطلاحات یکسانی استفاده کرده‌اند. اصطخری از هند تا اقیانوس اطلس سفر کرده و کار او بیشتر در رسم نقشه بوده است. یکی از آثار مهم اصطخری، کتاب «صور الاقالیم» است که در آن پیرامون جغرافیای عربستان، شمال آفریقا، خلیج فارس،

اندلس، مصر، شام، بیت المقدس، خوزستان، فارس، کرمان، آذربایجان، ارمنستان، طبرستان، دیلم، دریای خزر، خراسان، سیستان، ماوراءالنهر با رسم نوزده نقشه بحث نموده است. این کتاب در سال ۱۸۳۹ م. در آلمان به چاپ رسید. ۵ مرکز کالا و بارهای بازرگانان. ۶ عتایی: نوعی پارچه موجدار رنگارنگ منسوب به محله ای در بغداد. ۷ وشنی: پارچه ای که به نگارهایی آراسته و نیکو می شود. ۸ سباباط: دالان، طاقی که در گذرها ساخته می شود و گاهی بر روی آن اتاق هایی نیز می ساخته اند. ۹ سقلاطون: گونه ای پارچه ابریشمی زر دوزی شده است. ۱۰ کشمش بی دانه، مویز. ۱۱ خان لنجان: نام درست منطقه خولنجان امروزی؛ «خان» در فارسی باستان «خانه» گفته می شود و به معنی «چشمه» است. خان لنجان یعنی چشمه لنجان. اما چند گمانه برای «لنج» است؛ ۱: لنج (به فتح اول) برآمده از واژه لنگ و نیز به معنای خرام و ناز است؛ ۲: لنج (به ضم اول) در لهجه اصفهانی به معنی «گوشه لب» است و در دست به دست شده بروجردی به معنی «محل ورود زنبور عسل به کندو» است. ۱۲ «مهرین» و «مهرین» و «هاربین» نام باستانی منطقه ای است که دارای کوهی است و بر فراز آن آتشکده ای جای دارد و اکنون به نام کوه آتشگاه شناخته می شود.

– منابع: اصفهان از دید سیاحان خارجی، فیروز اشراقی، نشر آتروپات، اصفهان، ۱۳۷۸ – زندگینامه علمی دانشمندان اسلامی (جلد نخست)، چارلز کولستون گیلسیبی، ترجمه: جمعی از مترجمان، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم ۱۳۸۴.

– فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان، محمد مهریار، انتشارات فرهنگ مردم، اصفهان، ۱۳۸۲ – فرهنگ مکتشفین و جغرافی‌نویسان جهان، نصرالله نیک بین، انتشارات نبوی، تهران، ۱۳۷۵ – لغتنامه دهخدا – مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.



لیست نیویورک تایمز برای عشاق سفر

۵۲ سفر برای سال ۲۰۱۵

واحه‌هایی که شما را فرامی‌خوانند، شهرهای ممنوعه‌ای که به مقاصد مهم گردشگری تبدیل شده‌اند و مقاصد آشنایی که دلایل جدیدی برای دیدنشان هست

متنوعی چه از نظر منطقه‌ای (بزرگ و کوچک بودن، شهر، روستا یا حتی یک کشور بودن) و چه از نظر دارایی باشند و حتی سورپرایزهایی برای مخاطبان وجود داشته باشد. اما چرا در لیست ۵۲ مقصدی نیویورک تایمز، «میلان» سرلیست است؟! دلایلش به ۲۰ میلیون نفری برمی‌گردد که امسال منتظر آغاز «اکسپوی بین‌المللی ۲۰۱۵ میلان» هستند. اما به جز این، خود شهر میلان هم این روزها در حال تغییر و تحولات است؛ از بندر احیا شده بگیرد تا کانال‌های ترمیم شده، از تمرکز بر احیای روش‌های آشنایی تا رقابت با شهرهای خواهر خوانده‌اش در ایتالیا. همه این‌ها ویژگی‌های شهری است که به استقبال جهان آمده. از کیپ تاون (سرلیست سال ۲۰۱۴) به ریو (سرلیست سال ۲۰۱۳) و پاناما (سرلیست سال ۲۰۱۲) مقصدی که در صدر لیست قرار می‌گیرد به این دلیل انتخاب شده که یک دلیل مشخص برای سفر کردن در آن سال به آن کشور وجود دارد. نویسندگان این رسانه تاکید کرده‌اند: «البته گزینه‌های زیادی در جهان وجود دارند که می‌توانند در لیست سفرهای ما قرار بگیرند. انتخاب‌های ما هم فقط یک انتخاب هستند و به هیچ وجه ادعا نمی‌کنیم جامع و کاملند. برای همین از شما دعوت می‌کنیم در بخش «نظرات خوانندگان» مقاصد مورد علاقه و نظراتتان را بر ایمان بنویسید». در مطلب پیش رو، ۵۲ مقصد معرفی شده توسط نیویورک تایمز را مشاهده می‌کنید. توضیحات این رسانه برای هر بخش، کمی بیشتر بوده که به دلیل کمبود فضا، خلاصه شده‌اند و اطلاعاتی نیز برای خواننده ایرانی، اضافه شده است. اجازه بدهید این نکته را هم اضافه کنیم که ایران یکبار در سال ۲۰۰۸، در جایگاه هجدهم لیست‌های ۵۲ مقصد گردشگری سال نیویورک تایمز قرار گرفته و در آن مطلب از بندرعباس، اصفهان، تهران و شیراز یاد شده است.

روزنامه نیویورک تایمز در صفحه اول وبسایتش ۱۸ بخش دارد. خوانندگان طبق علایق و نیازهایشان می‌توانند گزارش‌ها و اخبار و مطالب را در بخش‌های مختلف جهان، آمریکا، سیاست، نیویورک، تجارت، نظرات، تکنولوژی، علم، سلامت، ورزش، هنر، سبک، غذا، خانه، سفر، مجله، اموال، ببینند. جالب است که «سفر» یک بخش مهم و اختصاصی را در این رسانه مهم جهان به خود اختصاص داده. درست برعکس همه خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های ما که «سفر» را به عنوان زیرشاخه حساب می‌کنند و گاهی حتی هیچ فضای اختصاصی و ویژه‌ای برایش ندارند! این هفته یکی از مطالب سفر را از این رسانه معتبر انتخاب کرده‌ایم که ترجمه‌ای از آن را در ادامه می‌خوانید. اما اگر ما یلید بدانید نیویورک تایمز چطور این مکان‌ها را انتخاب کرده، به این توضیحات که در زیر همین مطلب منتشر شده، توجه کنید: «هر ژانویه خبرنگاران سرویس سفر، فهرست مکان‌هایی که باید امسال ببینیم را منتشر می‌کنند و هر سال هم خوانندگان زیادی می‌پرسند که چرا مکان‌های مورد علاقه‌شان در لیست نیست یا مکانی که دوست ندارند جزو ۱۰ مقصد سفر برتر قرار گرفته. برای روشن کردن این که ما چطور این مکان‌ها را انتخاب می‌کنیم باید بگوییم: اولین مرحله دریافت پیشنهادات نویسنده‌گانمان است. چند صد مقصد گردشگری از آنها به دستمان می‌رسد. ما به دنبال مقاصدی می‌گردیم که کاملاً مناسب سفر برای سال ۲۰۱۵ باشند؛ مثلاً موزه‌ای که تازه افتتاح شده، یک راه دستیابی جدید یا سالگرد تاریخی. بنابراین اگر چه شهرهایی مثل لندن و توکیو همیشه جذاب هستند ولی ممکن است در این لیست نباشند». طبق این یادداشت، مرحله دوم انتخاب لیست، بررسی محاسن و معایب هر مقصد پیشنهادی است که در یک تا دو جلسه طولانی بررسی می‌شود. قصدشان این است که مقاصد



میلان، ایتالیا

شهر احیا شده به استقبال جهان می‌رود



شکی نیست که کشور ایتالیا دلایل بسیاری برای جذب توریست دارد، مخصوصاً با شهرهای رمانتیکی مانند فلورانس، ونیز و رم. اما مهم‌ترین شهرش میلان است و امسال سالی است که گردشگران به جست و جوی افسون این شهر

بروند مخصوصاً به خاطر برگزاری اکسپوزی بین‌المللی ۲۰۱۵. انتظار می‌رود امسال حدود ۲۰ میلیون نفر برای حضور در این رویداد بزرگ حاضر می‌شوند که از ماه می تا اکتبر با حضور بیش از ۱۳۰ کشور و سازمان در ۶۰ غرفه برگزار می‌شود. تم اصلی اکسپوز، غذا، تغذیه و روش‌های پایدار است (یک انتخاب مناسب برای شهری غرق در سنت‌های ایتالیایی). اما این رویداد هم‌زمان با تکمیل پروژه‌های نوسازی شهری که خون تازه‌ای در رگ‌های میلان تزریق می‌کنند، خواهد بود؛ از جمله تفرجگاه‌های طبیعی جدید، مسیرهای دوچرخه سواری. به جاذبه‌های تاریخی هم توجه ویژه‌ای شده و امکانات رفاهی بیشتری برای گردشگران در نظر گرفته‌اند. هتل‌های لوکس جدید، غذاهای سنتی ایتالیایی مانند فاریناتا و پیتزای نئوپولیتان را هم می‌توانید با دست‌پخت متخصصانی که ذائقه گردشگران و علایقشان را می‌شناسند، بخورید. میدان مرکزی میلان به نام میدان دلدوئومو، کلیسای دومو با سبک معماری گوتیک، سالن تئاتر پلکانی که نزدیک به ۳۰۰ سال قدمت دارد، مجسمه لئوناردو داوینچی، کلیسای جامع ایل دامو با قدمت ۶۰۰ ساله که تابلوی شام آخر داوینچی را هم در خود دارد، عمارت پیزا که مجسمه نیمه تمام میکلائو را هم در موزه‌اش جای داده از جمله جاذبه‌های این شهر مهم توریستی جهان هستند.

فیلادلفیا

شهری با فضاهای شهری قابل توجه



مجموعه‌ای از پروژه‌های شهرسازی فیلادلفیا را به شهر فضاهای باز شهری تبدیل کرده است. پارک دیلورث در نزدیکی مرکز شهر، به یک فضای سبز مناسب پیاده روی با پیست اسکیت زمستانی تبدیل شده و

یک کافه هم دارد با کافه‌من خستگی‌ناپذیری به نام جوز! چیدمان‌های هنری عمومی، شنبه‌پارک‌ها و فضاهای سبز کوچک تفریحی شهری همه جای شهر دیده می‌شوند. بهار امسال اولین برنامه اشتراک دوچرخه‌ها در شهر مسطح فیلادلفیا اجرا می‌شود و ظاهر دوستانه‌تری هم به این مقصد گردشگری ۲۰۱۵ خواهد داد.

کوبا

روابط حسنه شدند، این جزیره کارائیبی در دسترس قرار گرفت!



کوبا برای مدت‌های مدیدی به عنوان یک جزیره ممنوعه شناخته می‌شد؛ جزیره استوایی سنگر کمونیست‌ها! که البته رازآلود بودنش به خاطر اینکه از دسترس آمریکایی‌ها خارج بود، تقویت هم شده بود. اما حالا با تنش‌زدایی صورت گرفته بین کوبا و آمریکا، آرزوی آمریکایی‌ها برای رفتن به این کشور، این روزها با محدودیت کمتری همراه است. هاوانا مهم‌ترین شهر کوبا است و چه‌گوآرا و فیدل کاسترو از مهم‌ترین چهره‌های کشوری که ۴۰۰ سال مستعمره اسپانیا بود و حالا استقلالش را به دست آورده، محسوب می‌شوند. میراث قابل توجه هاوانا در معماری، خیابان‌های سنگفرش، نخل‌های زیبا و ماشین‌های کلاسیک که در کوچه‌ها و خیابان‌های شهر حضور محسوسی دارند، در کنار آب و هوای گرمسیری و سواحل زیبا از جمله جاذبه‌های کوبایی برای گردشگران محسوب می‌شوند.

دوربان، آفریقای جنوبی

یک شهر جهانی سومی که خودش را در کانون توجهات قرار داد



هیچ کس حرف بدی ندارد که درباره دوربان بزند. هم آب و هوای معتدل خوبی دارد و هم سواحل زیبایی. اما دوربیز (در زبان محلی، دوربان را این طور خطاب می‌کنند)، فروشگاه‌های مختلف و غذاخوری‌های جدیدی پیدا کرده و ارتقا یافته است. اگر هنوز مطمئن نیستید که جست و جویتان را از کجا آغاز کنید، یک بانی چو سفارش بدهید که فست فود مهم مربوط به هند و آفریقای جنوبی است. می‌دانید که دوربان یکی از بزرگ‌ترین اجتماع‌های جوامع هندی را در جهان دارد؟ بعد هم همراه با شرکت بیست دوربان، پیاده روی و شهرگردی را تجربه کنید.



پارک ملی سنگ طلایی بزرگ ترین پارک ملی جهان با اقامتگاه های جدید

پارک یلواستون با چشمه های آب گرم خارق العاده اش به یکی از مهم ترین جاذبه های گردشگری دنیا تبدیل شده و هر ساله توریست های زیادی را به منطقه گراند کانیون می کشاند.

گونه های جانوری متنوع (مثل گاو میش کوهان دار آمریکایی، گوزن شمالی، دو خرس، ۶۷ گونه پستاندار، ۳۲۲ گونه پرنده، ۱۶ گونه ماهی، گرگ خاکستری)، گونه های متنوع گیاهی (۱۱۰۰ گونه بومی و ۲۰۰ گونه عجیب و منحصر به فرد). در بزرگ ترین پارک ملی دنیا، ۲۹۰ آبشار و جنگل های با قدمت چند هزار ساله هم وجود دارد. حالا پروژه ارتقای اماکن اقامتی پارک ملی سنگ طلایی با بودجه ۷۰ میلیون دلاری اجرا شده است. کابین ها و اتاق هایی که تعدادشان به بیش از ۵۰۰ اتاق می رسد و راه های پیاده روی و دوچرخه سواری جدید در منطقه ساخته شده اند. می توانید از تورهای دو روز و سه شب تماشای حیات وحش و اسکی در منطقه که توسط موسسه غیرانتفاعی یلواستون برگزار می شوند، استفاده کنید و برای اولین بار بعد از سال ۲۰۰۳، مدیران پارک ملی اجازه دادند تورهای محدودی به صورت خودگردان با کسب اجازه قبلی به گردش در منطقه بپردازند.



دره ال کوئی در شیلی چشم دوختن به ستاره ها در شیلی

صحراهای شیلی با خشکی، آسمان صاف و ارتفاع زیادش بهترین فرصت را برای چشم دوختن به ستاره ها ایجاد کرده. برای همین است که از دیرباز، محل مناسبی برای نصب تلسکوپ های تحقیقاتی بوده است. این تلسکوپ ها و رصدخانه ها باعث جذب توریست های نجومی زیادی از سرتاسر دنیا شده اند. در نوامبر ۱۰۰ میلی حاشیه جنوبی منطقه آتاکاما حداقل نیم دوجین رصدخانه و مرکز رصد ستارگان وجود دارند و البته هتل هایی که خانوادگی اداره می شوند و اتاق هایی با سقف گنبدی شیشه ای و تلسکوپ در اتاق دارند، هر سال میزبان گردشگران علاقه مند نجوم هستند.



سنگاپور

کشوری که جهان را به جشنی به طول یک سال دعوت کرده!

کشور سنگاپور امسال ۵۰ ساله می شود. دولت هم به این مناسبت در هر گوشه و کنار جشنی برپا کرده است. فستیوال های مختلف از شب سال نو با آتش بازی های عظیم و موسیقی در تفرجگاه ساحلی Marina Bay شروع شده اند. این جشن ها با رژه های در فوریه که با حضور هزاران اجراگر با لباس های رنگی برگزار می شود، ادامه پیدا می کند. گالری ملی سنگاپور در پاییز میزبان بزرگ ترین نمایشگاه هنر جنوب آسیا در جهان خواهد بود. روز ملی سنگاپور، روز استقلال این کشور است که در سال ۱۹۶۵ رخ داده.



بولیوی بالاخره ثباتش را به دست آورد و درهایش را به روی جهان باز کرد

دوره اعتصاب های حمل و نقل و شلوغی ها دیگر گذشته و گردشگرانی که این روزها با سیستم گردشگرانه - دوستانه این کشور مواجه می شوند، اوقات خوشی را با جذابیت هایی که همان بدو ورود تجربه می کنند،

می گذرانند. تور غذاگردی خیابانی هم از جمله همین جذابیت هاست که دو سال سابقه دارد. گردشگرانی هم که دنبال ماجراجویی هستند، انتخاب های مختلفی دارند؛ از جمله تورهای کمپ لوکس که در نزدیکی بزرگ ترین کویر نمک دنیا برگزار می شوند. تورهای بازدید از مزارع قهوه در منطقه یونگاس هم طرفداران زیادی دارند؛ مثلاً در پروژه جالب Pasionado Coffee شما بعد از بازدید از مزرعه، سرپرستی یک درخت را برعهده می گیرید. پلاکی که نام شما بر روی آن حک شده روی درخت قرار داده می شود و محصولش فقط و فقط برای شما خواهد بود. به این صورت که هر سال قهوه پرورشی شما برایتان به هر کجای دنیا که هستید، ارسال می شود! مسیر رسیدن به منطقه مزارع قهوه طی یک پروژه راه سازی، بسیار کوتاه تر شده است.



مدلین، کلمبیا نوسازی شهری با معماری و طراحی خلاقانه



شهر مدلین اخیراً به خاطر نوسازی‌های شهری خلاقانه‌اش مورد توجه زیادی قرار گرفته است. تعداد زیادی از محله‌های فقیرنشین و حاشیه‌ای به وسیله ساخت سازه‌های معماری منحصر به فرد تغییر شکل یافته‌اند؛ مثل ساخت یک ابرکتابخانه عمومی مدرن با معماری منحصر به فرد در محله فقیرنشین سانتودومینگو. تله‌کابین و پله برقی ۱۳۰۰ پایی هم از جمله المان‌های مدرن تفریحی دیگری هستند که مناطق فقیرنشین را درست شبیه مناطق مرکزی شهر می‌کنند و فاصله نجومی مناطق فقیرنشین و مرکزی را تا حدودی از میان برمی‌دارند. مدرسه‌های جدید و پارک‌ها و حتی موزه هنرهای با معماری خاص هم در محله‌های فقیر ساخته شده‌اند.

جزایر فارو مکانی دورافتاده که خانه جدید جدیدترین غذاهای شمال اروپا شد!



مجمع الجزایر فارو در اقیانوس اطلس شمالی، طی پنج سال گذشته به عنوان منزوی‌ترین مقصد غذاهای اوانگار شناخته شده است و سردسته به کارگیری روش مدرن آشپزی که به آشپزی مدرن با عنایت به مواد اولین محلی و فصلی محسوب می‌شود. در سال ۲۰۱۵ رستوران جدیدی به نام خانه ماهی به بهره‌برداری می‌رسد. سوشی‌های جدید و غذاهایی با پنیرهای محلی هم گردشگران زیادی را به منطقه می‌کشانند. اما برای رسیدن به فارو که مستقل از دانمارک است، دو پرواز کوتاه از کپنهاگ و ریکیاویک وجود دارند.



ناحیه بالکان / ماکدونیا

سنت وینسنت و گرنادینز در انتظار فرودگاه جدید و مرکز غواصی!



بزرگ ترین سرمایه‌گذاری که تا به حال در این منطقه انجام گرفته امسال به بهره‌برداری می‌رسد. آن فرودگاه ۲۴۰ میلیون دلاری بین‌المللی است. پروازهای بدون توقف از این فرودگاه به شمال آمریکا و اروپا و ۳۲ جزیره واقع در این منطقه برقرار خواهند بود. گردشگران معمولاً به خاطر غواصی و جزیره خصوصی پتیت گذارشان به این منطقه می‌افتد. از جمله پروژه‌های جالب که برای گردشگران عشق ساحل در اینجا راه‌اندازی شده، سینما و مرکز تفریحی ساکت است! در سینمای ساحلی شبانه، فیلم روی پرده بزرگ نمایش داده می‌شود، در حالی که مخاطبان هدفون‌های بدون سیم را روی گوششان گذاشته‌اند و فیلم را می‌بینند.

ماکدونیا مقصد بعدی در بالکان



اول کرواسی، بعد مونته‌نگرو و حتی آلبانی، مقاصدی هستند که گردشگران ناحیه بالکان انتخاب می‌کنند. ماکدونیا چهارم است، مخصوصاً به دریاچه اش که آرام و درخشان است. این جمهوری سابق یوگوسلاوی فضایی را برای عاشقان ماجراجویی غذایی فراهم کرده با یک نوع سوپ سنتی و نوشیدنی و پای گوشت و پنیر! می‌توانید هتل قدیمی مونتانا را انتخاب کنید که بازسازی و به محلی برای دوستداران پنیر تبدیل شده آن هم با قیمت‌های مناسب بالکانی! نکته جالب دیگر درباره ماکدونیا این است که از جمله مناطق محدود جهان است که هیچ مک‌دونالدی در آن پیدا نمی‌کنند! سال ۲۰۱۳ همه فروشگاه‌های مک‌دونالد در این منطقه بسته شدند.

اورلاندو، فلوریدا فرا تر از میکی ماوس؛ دیزنی لند برای بزرگ توها



۱۳ دیزنی لند، بدون شک هنوز بزرگ ترین جاذبه اورلاندو است اما خود شهر هم طی این سالها ارتقا یافته و مکانهایی از جمله مرکز هنرهای اجرا (با هزینه ساخت ۴۲۹ میلیون دلاری)، قطار ۶۲ مایلی سانریل که هر دو سال گذشته افتتاح شدند و البته یک استادیوم ۱۹۵۰۰ نفری که امسال به بهره برداری می‌رسد. اما مهم ترین جذابیت جدید منطقه، غذاست. فروشگاه بزرگ غذایی ایستاند در سال ۲۰۱۳ افتتاح شد و همچنین رستورانی که آشپزش برنده جایزه جیمز برد شده است. دیزنی لند هم در حال ارتقا دادن بخش بزرگسالانش است. بخشهایی در آگوست ۲۰۱۴ به بهره برداری رسیدند از جمله یک زمین گلف، سالن بازی و استخر بزرگسالان.

برگندی، فرانسه کاندیدای یونسکو قدرت و انرژی دوباره گرفته است!



۱۵ سلام و درود کبود! شهری که به نوشیدنی‌هایش معروف است، حالا با بازسازی‌ها و نوسازی‌هایی که در زمینه برندسازی انجام داده، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. پروژه‌های سالانه مانند چیدمان چراغ از جمله جذابیت‌های توریستی منطقه هستند. هتلی با طراحی عجیب، ساحل جدید که با ۳۵۰ تن ماسه‌های وارداتی ساخته شده. این شهر همچنین در لیست نامزدهای سال ۲۰۱۵ یونسکو قرار گرفته مخصوصا به خاطر ۱۰۰ جذابیت تاریخی‌اش.



تینا نیا / پارک ملی

زیمباوه روزگاری ممنوع بود، حالا نباید دیدنش را از دست داد!



۱۴ طی دهه‌های گذشته همه زیبایی و جذابیت زیمباوه زیر بار مشکلات سیاسی و نارسایی‌های اقتصادی آن گم شده بود. اما امروز دولت بالاخره ثباتش را به دست آورده. دلار بی‌ثبات زیمباوه از بین رفته و از همه مهم تر قیمت‌ها برای گردشگران هنوز پایین و مناسب هستند. ترمینال بین‌المللی زیمباوه در جولای امسال به بهره‌برداری می‌رسد تا گردشگران راحت‌تر به وسیله تورهای مختلف، به این منطقه بیایند و از زیبایی‌هایش مانند آبشار ویکتوریا، رودخانه زیبای زمبزی، سایت‌های ثبت جهانی شده در فهرست یونسکو از جمله تپه‌های گرانیتی ماتابو و شهر هراره. اما مهم ترین جذابیت‌ها هنوز سفرهای آبی و سافاری در پارک‌های ملی زیمباوه است.

منهتن، نیویورک یک شروع دوباره!



۱۶ بیشتر از یک دهه از ۱۱ سپتامبر گذشته، منطقه جنوبی منهتن حالا یکی از مهم ترین همسایگی‌های شهر نیویورک محسوب می‌شود. مرکز تجارت جهانی و یادبود ۱۱ سپتامبر که سال گذشته افتتاح شد، به زودی با انبوهی از فروشگاه‌ها و مراکز غذایی و اقامتی احاطه می‌شود. منطقه بروکفیلد که قبلا به عنوان مرکز تجارت جهانی شناخته می‌شد، حالا مراحل بازسازی را طی کرده و به منطقه‌ای تجاری تفریحی با انواع بوتیک‌ها و فروشگاه‌های بزرگ و گران قیمت تبدیل می‌شود.



تانزانی

احیای سافاری در دوران سختی!



۱۷ نگرانی‌های امنیتی در همسایگی کنیا

همچنان وجود دارد و البته توریست‌ها هنوز به این منطقه کماکان سر می‌زنند. مراکز اقامتی جدید لوکس البته تا حدی اذهان نگران را منحرف می‌کنند! ترکیب تورهای ماجراجویانه، لوکس، رمانتیک و تماشای حسابت وحش و طبیعت، ترکیب غریبی است که در تانزانی به عنوان یک برگ

برنده گردشگری رو شده است و البته دسترسی بی‌سابقه به مناطقی که تا پیش از این امکان رفت و آمد در آنها نبود. نماد تانزانی یکی از کمپانی‌های معتبر آفریقای شرقی در زمینه سافاری است که تورهای مختلفی برای بازدید از پارک ملی تارانگیره که ششمین پارک ملی بزرگ تانزانیاست، ترتیب می‌دهد؛ منطقه‌ای زیبا با گونه‌های فراوان جانوری از جمله فیل‌ها، سگ‌های وحشی و پلنگ‌ها. همچنین امسال رواها، یکی از پارک‌های ملی تانزانی که تا پیش از این امکان کمی برای بازدید داشت، با کمپ‌های مجهز برای گردشگران تجهیز شده است.

عمان

رازگشایی از رازسربه مهر خاورمیانه!



۲۰ حکومت شاهنشاهی عمان مرز کمی با امارات

متحد عربی دارد. قلعه‌های متناوب در چشم‌انداز عمان از کوه‌هایی که آنچنان سر به فلک کشیده نیستند، می‌آیند.

زیبایی و جذابیت سواحل دراماتیکش خیلی به هنر دست انسان‌ها بستگی نداشته و طبیعی است. همه‌همه و شلوغی بی‌پایان دبی و ابوظبی، در تضاد کامل با آرامش و سکوت مطلق اینجاست.

اما دلتان را به این توصیف خوش نکنید، چون زیاد دوام نمی‌آورد. صنعت گردشگری عمان در حال رشد است و تب هتل‌سازی‌های شبیه دبی بالا گرفته.

ساحل شمالی پرو

کناره‌های بیابانی شما را به اکتشاف می‌خوانند!



۱۸ گردشگران پرو همه برای دیدن سایت

تاریخی شهر کوزکو در نزدیک دره اورویاما و رشته کوه اندس می‌روند تا حدی که هر سال حدود دو میلیون نفر بازدیدکننده دارد، بنابراین کناره بیابانی شمالی که معمولاً نادیده گرفته می‌شد حالا توجه‌ها را جلب کرده است. کشتی‌های تفریحی حالا مقصد تروجیلو را که در نزدیکی سایت زمین‌شناسی و

مجموعه اهرام موک هستند، به مسیرشان اضافه کرده‌اند و موزه‌هایی در سال‌های اخیر در این منطقه افتتاح شده. هتل لیبرتادور واقع در بخش اسپانیایی منطقه، نوسازی با هزینه دو میلیون دلار انجام داده. اگر منطقه‌ای را ترجیح می‌دهید که در طول روز طبیعت زیبایی داشته باشد و در شب پر از جذابیت‌های تفریحی، هتل اینکاتریا را انتخاب کنید که به زودی با شش اتاق تازه افتتاح می‌شود. برای گردشگران علاقه مند به تفریحاتی مانند ماهیگیری و تماشای نهنگ‌ها، این منطقه بسیار جذاب است. می‌توانید منطقه ماهیگیری همینگوی را هم ببینید!

چشمه استیم‌بوت، کلورادو

جشنی برای یک قرن اسکی!



۱۹ پاییز، صدمین سالگرد قدیمی‌ترین منطقه

اسکی کلورادو بود. در اواخر سال ۱۹۱۴ منطقه اسکی هولسین در دامنه به کوه و در نزدیکی چشمه‌های آب گرم راه اندازی شدند. امسال تله‌سیژهای دو صندلی، سه سطح بالاتر اسکی نوسازی شده. در فصل بهار منطقه دوچرخه‌سواری تعبیه شده و به تازگی امکانات برای اسکی در شب

را گسترش داده است. برنامه سفرتان را در فوریه برای جشن زمستانی، برای گرمی‌داشتن یک قرن اسکی در غرب، بگذارید و از تفریحات مختلف از جمله پریدن از ارتفاع، تیوب‌پارتی و رژه لذت ببرید!



کلیولند، اوهایو انرژی‌های بازگشتی به نام هنر، فرهنگ و شاه جیمز!

۲۱ زمانی که لیبرون جیمز تصمیم گرفت به ریشه‌هایش برگردد، کلیولند در حال آماده شدن برای خروج از یک دوره رکود بود. خیابان عریض و طولیل دیترویت حالا به میدان گوردون و منطقه هنری می‌رسد با انبوه رستوران‌ها و نمادهای شهری خلاقانه و موزه هنر معاصر که به تازگی بازسازی و بازگشایی شده است. ساختمان موزه به صورت مدرن و آئینه‌ای و چندضلعی جان تازه‌ای به منطقه داده است. ارکستر سمفونی کلیولند یکی از پنج ارکستر بزرگ آمریکاست. تالار راک اندرول این شهر در ساحل دریاچه اری یکی از جاذبه‌های شهر است که معماری جالبی دارد و فستیوال مد کلیولند یکی از معدود فستیوال‌های بین‌المللی مطرح صنعت مد در جهان است.



مجمع الجزایر فارو



آدلاید تا پاتاگونیا مجله، معمارانه، خلاقانه، باثبات و حتی ساحلی در ارتفاعات

۲۴ تا ۵۲ روزنامه نیویورک تایمز در این مطلب بلند، ۵۲ مقصد گردشگری را معرفی کرده است. برای برخی‌ها عکس و برای بقیه ویدئوهای کم‌حجم بسیار زیبایی را قرار داده. اما پرداختن به همه آنها به دلیل حجم بالای مطلب، در این مجله ممکن نبود. به همین دلیل بقیه مقاصد گردشگری منتخب سال ۲۰۱۵ به انتخاب نیویورک تایمز را در این پاراگراف به صورت تیتروار می‌آوریم. آدلاید، استرالیا، گرجستان، منچستر انگلستان، کمپچ مکزیک، گرینلند، پاگوآ گینه نو، بند اورگان، رباط موراکو (منطقه ساحلی در ارتفاع)، اسکوامیش کانادا، سنول کره جنوبی (میلیون‌ها متر مربع هنر، معماری و طراحی)، سنت کیتس (مجله و باثبات در دریای کارائیب)، شیکو کو ژاپن، سن آنتونیو (جاذبه‌های جدید و بهسازی فرهنگ غنی)، سن جوزه دل کابو، آلتنجو پرنگال، دکاتزکیل نیویورک، کبک کانادا، کانتن والاس سوئیس، لی‌د فرانسه، دانانگ ویتنام، چنگ‌دو چین، ساحل میامی فلوریدا، شانگهای، تولسا اوکلاهاما، رم، ایتالیا، کاکرس اسپانیا، دره اسکی تائوس نیومکزیکو، باکو آذربایجان، کاس ترکیه.



سری لانکا ثبات بیشتر، یعنی دسترسی بهتر به گنجینه‌های بیشتر!

۲۲ در حالی که صنعت توریسم در این جزیره آسیایی داشت طی این سال‌ها گسترش می‌یافت، بازدید از این منطقه ناگهان به خاطر ناآرامی‌ها متوقف شد. اما بالاخره کشور باثبات شد و نسل جدید هتل‌ها شروع کردند به ارائه خدمات لوکس و خلاقانه؛ مثلاً هتل کبپ‌ولینگاما با ۴۰ اتاق در بالای کوه و مشرف به اقیانوس هند بازگشایی شد. بهار امسال هم هتل ۱۰ سونیه تی‌آر‌آی در کناره دریاچه با استودیوی درختی یوگا و استخر معلق افتتاح می‌شود. در نوامبر مراکز اقامتی وایلد‌کاست با ۲۸ چادرسافرتی لوکس در ساحل زیبای پارک ملی یالا و در کنار حوضچه آب‌گرم افتتاح می‌شوند.

نیواورلئانز، لوئیزیان یک دهه بعد از کاترینا، آرام‌گرفته و بازسازی‌شده

۲۳ امسال دهمین سال وزیدن طوفان سهمگین کاترینا در نیواورلئانز است. برنامه‌هایی برای بزرگداشت قربانیان حادثه برگزار می‌شوند و جشن‌هایی برای بازسازی دوباره منطقه هم تدارک دیده شده‌اند. از ژانویه یک نمایشگاه از آثار ۵۰ هنرمند هنرهای تجسمی برگزار می‌شود. در مارس، ارکستر جاز نیواورلئان در مکانی جدید که فضای اجرای بیشتر و البته بخش موزه دارد، افتتاح می‌شود. شواهد بیشتری از بازسازی منطقه در مراکز اقامتی تازه دیده می‌شود. مثل دو هتلی که در بخش تجاری شهر در ماه فوریه گذشته افتتاح شدند.



زیسماوه





ترجمه پری زنگنه
تصویرگر و مترجم

برگردان سفرنامه مادام دیولافوی از فرانسه به فارسی

سفر به اصفهان عهد ناصری با باستان شناس فرانسوی

شهری غرق شده در مهی نیلگون

«سفرنامه مادام دیولافوی» به زبان فرانسه در قالب کتابی حجیم با عنوان «ایران، شوش و کلد» در سال ۱۳۳۲ توسط علی محمد فره وشی با نام «سفرنامه دیولافوا-ایران و کلد» ترجمه شده و آخرین چاپ آن در سال ۶۴ شمسی (نشر دانشگاه تهران) بوده است و حالا در سال ۹۳ خورشیدی ترجمه تازه‌ای از این کتاب به سفارش گردشگر در حال تهیه است. پری زنگنه که پیش‌تر او را با عنوان یک هنرمند تصویرگر می‌شناخیم، این ترجمه را از روی نسخه اصلی کتاب با نام «*la Perse, la chaldée et la*»

«سفرنامه مادام دیولافوی» به زبان فرانسه در قالب کتابی حجیم با عنوان «ایران، شوش و کلد» در سال ۱۳۳۲ توسط علی محمد فره وشی با نام «سفرنامه دیولافوا-ایران و کلد» ترجمه شده و آخرین چاپ آن در سال ۶۴ شمسی (نشر دانشگاه تهران) بوده است و حالا در سال ۹۳ خورشیدی ترجمه تازه‌ای از این کتاب به سفارش گردشگر در حال تهیه است. پری زنگنه که پیش‌تر او را با عنوان یک هنرمند تصویرگر می‌شناخیم، این ترجمه را از روی نسخه اصلی کتاب با نام «*la Perse, la chaldée et la*»

سفر «مادام دیولافوی» به ایران عهد ناصری، از طرفی بیاتگر میل ملوکانه شاهان قاجاری به گشودن درهای ایران به روی فرنگیان بود و از طرفی، میزان رغبت فرنگیان در سفر به ایران و گذر از مرزهای جادویی این سرزمین را نشان می‌دهد.

بوده اند گردشگرانی که به ایران سفر کرده و شیفته آداب و رسوم و مردم و ادبیات و هنر این سرزمین شده‌اند؛ یا مانده‌اند و با به موطنشان بازگشته‌اند؛ گاه دست خالی و گاه با اثباتی پر از خاطره و صد البته سوغات.

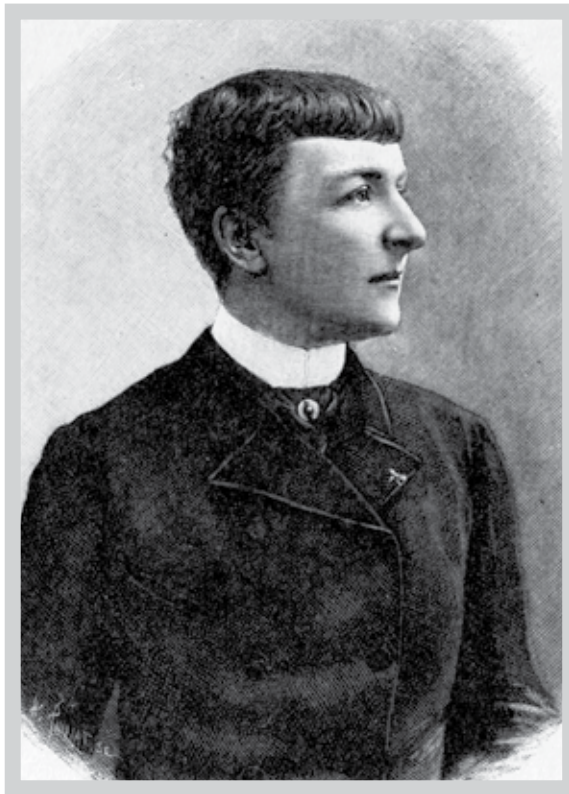
آنچه مادام دیولافوی به عنوان سفرنامه از خود به جا گذاشته، به نام «ایران» نامیده شده و آنچه این بانوی فرانسوی به عنوان سوغات از ایران برده، چندان زیاد و خارج از شماره است که می‌توان بخش‌های زیادی از آنها را در موزه لوور تماشا کرد. بوده و هستند در طول تاریخ ایران که این گشاده دستی پادشاهان قاجاری را در خروج چنان گنجینه‌های ملی برناتافته و مادام دیولافوی فرانسوی را به درازدستی در میراث این خاک متهم می‌کنند. در هر صورت، سفرنامه مادام دیولافوی، یکی از اسناد دوران قاجاری است.

هر چند در جای جای این متن، اشتباهاتی نیز به چشم می‌خورد که خواننده فهیم و پژوهشگر، در تطبیق تاریخی آن متن با متون علمی تاریخی، تا حد زیادی می‌تواند به سلامت از خواندن سفرنامه بگذرد و حظی در خور داشته باشد.

بازارهای متروک، دهان گشوده اند و خیابان های خالی از سکنه ای که بر روی دیوارهایشان - که هر آن، آماده فروریختن بر روی عابری است - علامت گذاری شده اند. ما هیچ موجود زنده ای را در این حومه شهر پیدا نکردیم؛ چراکه اینجا مامن کزدم و مار است. ویرانی کاملی که به نظر می رسد حساب شده به وجود آمده است. درها و پنجره ها فاقد چوب کاری تزیینی هستند. ما مهتابی ها (۶) را برای بیرون کشیدن تیرهای چوبی حامل خراب کردیم. پوشش های سفالی به صورت وحشیانه ای شکسته و متلاشی شده بودند. دیواره های گلی، با باران شسته شده، اما همچنان سرپا ایستاده اند. (۷) در گذر از محلی دیگر که به مانند جاهای قبلی همچنان متروکه و مخروبه بود، به روستاییان بارکش مهربانی برخوردیم که بقایای خانه های ویران را در چیزی همانند کلاه های بزرگی که از نی بافته شده و به دو پهلوی الاغ های کوچکشان آویزان بود، حمل می کردند. (۸)

آجرهای خست و گلی، آغشته به نوعی شوره، به عنوان بهترین روش ساخت و ساز شناخته شده اند. «نصف جهان»، «گل سرخ باغ بهشت»، شهر سلطنتی، امروزه در خدمت پرورش هندوانه و خیار خوش طعم است. مسیرم را با اندیشیدن به فلسفه سرنوشت غریب شهرها و امپراطوری ها طی کردم و بالاخره به ورودی چهارباغ رسیدم. این تفرجگاه باشکوه و زیبا، در عهد شاه عباس درختکاری شده است و به این نام خوانده می شود؛ چرا که به عنوان چهار موقوفه بسیار عالی شکل گرفته؛ موقوفاتی که متعلق است به یک مسجد (۹) و در اجاره مستخدمین پادشاه، که پرداخت این اجاره سالیانه، ابدی و همیشگی خواهد بود. چهارباغ، از پنج کوچه درختی بزرگ، از چنارهایی تقریباً سیصد ساله به وجود آمده است. قرن هایی که بر این سالخوردهگان بی اثر بوده است، تعداد زیادی از درختان، خشک و رها شده اند و نابودی تاتراوری در این درختکاری بی نظیر رخنه کرده است. چهارباغ به عرض بیش از سه کیلومتر گسترده شده است. خیابان مرکزی - که برای عابران پیاده است - سنگفرش شده و یک نهر آب جدول کشی شده، برای بردن آب به داخل یک سری استخر در شکل و اندازه های مختلف اختصاص داده شده است. خیابان های کناری برای سواره نظام در نظر گرفته شده است. از راست و چپ، خرابه هایی از ده ها قصر را پشت سر گذاشتم. جاهایی که بیشتر، سرشار از زندگی افراد قدرتمند درباری بوده است. در گذر از نمای خارجی مدرسه مادرشاه، زیان به تحسین آن گشودم و به پل معروفی رسیدم که به همت الله وردیخان، دوست و سپهسالار شاه عباس بزرگ ساخته شده است.

ادامه دارد...



شانزدهم اوت. از مسیر گزو، هشت یا ده کوره راه باریک است که سوراخ هایی در همه طرف آنها دیده می شود و نشان دهنده تعداد زیادی قنات و نهرهای جاری آب در آنهاست؛ آنها در مسیر رفتن به اصفهان قرار دارند. دره ای که ما آن را با مرکب هایمان چهارنعل و شتابزده طی نمودیم، بین دو تپه قرار گرفته و انتهای آن با چندین کوه زیبا مسدود شده است. مسیر شوگومند و زیبایی که گرمای رنگ های آن، یادآور رشته کوه های پنتلیک یا ایامت است (۱). این شهر، غرق شده در مهی نیلگون، گسترده در شیب تند صخره ها (۲)، دارای نوعی پوشش گیاهی منحصر به فردی است که همچون ردای سبزی بر گرداگرد اصفهان کشیده شده است. در پرتو خورشید در حال غروب، درخشش لعاب های کاشی آبی فیروزه ای مسجدشاه؛ در حالی که در پس زمینه آسمان، سایه های لطیف مناره های بلند و باریک همچنان ایستادگی می کنند؛ مناره هایی که شبیه برج های بسیار بلند کلیساهای گوتیک ماست. در هر گوشه ای، برج های عظیمی پراکنده اند که با کاشی و آجر تزیین شده اند. این برج ها برای هدایت شمار انبوهی از کبوتران است. کبوترانی که بر بالای سر ما با سر و صدای زیاد می گذشتند. ابر زنده، روشنائی روز. (۳) اینچنین است: «این نصف جهان؛ این اصفهان زیبا؛ اعجوبه عجیب؛ این گل سرخ باغ بهشت، صنم شاعران ایرانی است. جاده ها و مسیرهایش همه سرسبز و خرم اند؛ یک بهار ابدی بر این دره، همیشه مزین است، چندانکه زمین بر آن حسادت می کند. عطر گل های خوشبو چونان مشک است. نهرهای جاری آب زلال، همچون چشمه آب حیات. وزش باد از میان بیشه زاران خرم و دلگشا و درختان پرشاخ و برگ و انبوه. انعکاس صدای محزون کبوتر یا ناله بلبل. بارانی که تورا خیس می کند. آی اصفهان! از میان همه شهرها، شبنم آسمانی، تورا خنک و شاداب می سازد، هنگامی که غرضی رعداآسا در دوردست و آذر خشی چونان چشم افعی از میان ابرهای تیره و سنگین گذر می کند. همدان، مکان پرلذتی است که هر کسی شوق زیستن در آنجا را دارد اما اصفهان، تصویری از بهشت است. (۴) چندین روستای کوچک مخروبه را پشت سر رها کردیم و خود را در مسیر از باغ های سرپوشیده هندوانه و خربزه انداختیم. زمین، نمناک و سیاه، همچنان آغشته از آب آبیاری باغ ها.

جریان نهرها و خش خش عبور آنها از میان کشتزارهای ذرت، مرا به یاد سواحل رود نیل پس از طغیان رود انداخت؛ باغ های اعجاب انگیز سیوت. (۵) خود را از دیوارها بالا کشاندم. بهتر است بگویم از حصار و دژ شهر بالا رفتم. به اطراف نگاهی انداختم و ناگهان درجا خشکم زد. چه ناامیدی دردناکی مرا فرا گرفت! آیا در شهری ویران شده از طوفان هستیم؟ از پشت حصار قدیمی، کوچه های سرپوشیده و انباشته از تل عظیم کثافت نمایان شدند؛ از راست و چپ

۱ رشته کوه پنتولیکو در یونان (شمال آتن و جنوب ماراتن) واقع شده است. رشته کوه هیمتوس در شرق یونان مرکزی است. این کوه به نام ترلو یا ترلوونو نیز شناخته شده است. ۲ ناصر خسرو قبادیانی بلخی نیز در سفرنامه اش از اصفهان چنین یاد می کند: «اصفهان، شهری است بر هامون نهاده...» ۳ در اینجا، مادام دیولافوی به برج کبوتر یا کبوترخانه اشاره می کند که در روزگاری نه چندان دور در اطراف شهر اصفهان و داخل شهر نیز بسیار وجود داشت. این برج ها در زمان های قدیم به عنوان پناهگاهی برای شمار زیادی از کبوتران و پرندگان غیرمهاجم بوده است. از طرفی، کود به دست آمده از فضولات انباشته در این برج های کبوتر، برای مصارف کشاورزی بسیار ارزشمند بوده است. این بطوطه اولین سفرنامه نویسی است که در سفرنامه اش به کبوترخانه های ایرانی اشاره کرده است. همچنین شاردن در سفرنامه خود به اصفهان عهده صفوی، از کبوترخانه های اصفهان و بزرگی آنها می گوید. امروزه نمونه ای از این گونه برج ها می توان در میدان برج خیابان مردویج مشاهده کرد. ۴ به نظر می رسد در اینجا مادام دیولافوی در توصیف زیبایی های اصفهان، به متنی استناد کرده، اما نام

سفر به روستایی در جنوب شهر اصفهان

روستای سبز

بازدید از بند تاریخی و امامزاده، زیر درختان گردو

چونان مسافر کهنسالی است که از پس قرن‌های متمادی راه پیموده، از عهد ساسانی تا کنون و حالا با سکوت سرد و مبهم و راز آلودش نظر به آینده‌ای روشن دوخته است که باید به دست من و تو ساخته شود.

اسفرجان دیاری نهاده بر کرانه دشت، پشت نهاده بر کوه‌های بلند و برف‌گیر و رو به افقی پهناور با آسمان باز و آفتاب زر و دشت‌های بی در و پیکر، روزهایی با آسمان صاف و لاجوردی و شبانی با ستارگان رخشان.



تنظیم گردشگر |

عکاسان مهرا محمدی
اکبر محمدزمانی

متن آیت‌الله محمدقاسمی
دبیر آموزش و پرورش

ششم و به دست صدراعظم او قلتشاه بسته شده و از شواهد برمی‌آید که تا مدت‌های مدیدی پهنه وسیع پایین دست را زیرکشتزارهای وسیع می‌برده است، هر چند از تأثیر عواملی ناشناخته دچار شکست شده، اما بقایای آن نشان از استحکام آن در زمان خود داشته و دارد. این بند یکی از جاذبه‌های دیدنی روستای اسفرجان است.

«سپاهان» قرابت دارد. در جایی آن را از واژه «اسفر» دانسته‌اند و معنای «درختزار و بیشه‌زار» و جایی «پوشیده از سبزه‌ها» را از آن اراده کرده‌اند. اما آنچه به واقعیت نزدیک تر است همان معنای اخیر است و انبوه درختان درهم و وجود درختان گردو که بعضی روایتگر تاریخ ۵۰۰ ساله هستند، این معنای آخر را بیشتر مقرون به حقیقت نشان می‌دهند.

مسیر شناسی؛ از اصفهان تا اسفرجان

نزدیک به یک ساعت و نیم با شهر اصفهان فاصله دارد. برای رسیدن به روستای «اسفرجان» باید به طرف جنوب استان حرکت کنید. تقریباً ۴۰ کیلومتر از شهرضا که بگذرید و رد تابلوها را بگیرید و به جاده غربی بپیچید به اسفرجان می‌رسید.

جاذبه‌های مذهبی؛ امامزاده عبدالمطلب و مسجد

ملک احمدی

«امامزاده عبدالمطلب» که از احفاد امام سجاد (ع) برشمرده شده به این خطه از کشور، رنگ و روی مذهبی بخشیده است و گنبد

جاذبه‌های تاریخی؛ بند قلتشاه (تلفظ!)

بند تاریخی قلتشاه، قدیمی‌ترین سازه مرکب از سنگ و ساروج از نوع خود در اسفرجان و در محدوده شهرستان شهرضا است؛ بندی که در عهد ایلخانان مغول (غازان خان) در اواخر قرن

واژه شناسی؛ سبز پوشیده اسفرجان

بعضی واژه «اسفرجان» را ماخوذ از کلمه «اسف» و «اسب» گرفته‌اند و بعضی از ریشه‌های معادل «سپاه» و «سپاهگیری» برشمرده‌اند که در هر دو صورت با وجه تسمیه «اصفهان» و



دارد که با قطر بیش از چهارمتر و عمر ۵۰۰ ساله روایت‌گر گذشته دیرپای این دیار است. متاسفانه در دوره پهلوی دوم تعداد زیادی از این درختان که اسناد زنده و خاموش این منطقه بودند، در قالب یک تجارت سیاه و با فرمان ارتشبد غلامعلی اویسی ریشه‌کن شده و به کشور آلمان فرستاده شدند و اسفرجان یکی از نقاط مورد نظر این تجارت بود و خود از داستان‌های غم‌فزای این دیار است.

جاذبه‌های فرهنگی؛ مکتب‌خانه‌هایی برای زنان

در زمینه فرهنگی پایه‌گذار آموزش مکتب‌خانه‌ای که سابقه‌ای چند صد ساله دارد و قابل تأمل است، به صورتی که در کنار

اسلام بر این منطقه به مسجد تغییر کاربری داده و ملک احمد نیز در گوشه‌ای از آن دفن شده است. سنگ‌های مزار که تا کنون در این منطقه و از زیر باغات انبوه یافت شده، بیانگر آن است که در زمان‌های طولانی اقامتگاه اقوام مختلف بوده است. قدیمی‌ترین سنگ قبر مربوط به شخصی به نام محمد ابن شاه حسین ظفیری است که تاریخ آن سال ۹۷۱ هـ.ق را نشان می‌دهد.

جاذبه‌های طبیعی؛ درختانی که به آلمان فرستاده شدند

سخن از درختانی کههنسال رفت. آری در این منطقه درختان کههنسال گردو وجود داشته و بعضی هنوز هم وجود

افراشته‌اش چنان نشانه‌ای افراشته به سوی آسمان است، ایشان به اتفاق یارانش در گذر از مسیر فلات مرکزی ایران، گرفتار عمال خلیفه عباسی شده و پس از جنگ و گریزهای متعدد در آباده، اقلید و ایزدخواست به طرف اسفرجان روی می‌آورد و بنا بر اقوالی در همین جا شهید و مدفون می‌شود، ملک احمد که از فرزندان او شمرده شده است در ضلع غربی اسفرجان در مسجدی که به نام او «مسجد ملک احمدی» شناخته می‌شود مدفون شده و این‌ها در دوره خلافت المستنجد بالله (حدود ۵۰۰ هـ.ق) اتفاق افتاده است. اما مسجد ملک احمدی که گویند بر جای معبدی ساخته شده است که قرن‌ها قبل از اسلام به دست هرآگویه (سردار ساسانی) در این مکان برپا شده و پس از استیلای

ترانه‌سرای معروف کشور، دکتر افشین یداللهی و خسرو شیبانی، عباسعلی سلطانیان، ابوالفضل خوشنظر، حاج حسن بهرامی و دیگران یاد کرد. از جمله هنرمندان منتسب به این دیار باید از مرحوم عباس ذوالفنون اسفرجانی یاد کرد که در اوایل قرن حاضر موفق به کسب عنوان درج یک هنری از وزارت فرهنگ وقت شد و شاگردانی چون استاد حاج میرزا آقا امامی را تربیت کرد که در فن تجلیدی‌نظیر بود.

اما یگانه هنرمند معرق چرم و سوخت، استاد علی اسفرجانی است که آثارش بارها در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی بارها به نمایش درآمد و در آخرین سفرش در سال ۱۳۸۱ به اسفرجان درصدد برآمد مرکزی فرهنگی هنری بسازد که آفتاب عمرش به زوال مرگ غروب کرد، و این امر تحقق نیافت. در این دیار فرهیختگان علمی در سطوح بالا زیاد هستند که ضمن صاحب تألیفات ارزشمند، در مراکز علمی دانشگاهی مشغول تدریس هستند. کانون قلم اسفرجان و انجمن اسفرجانی‌های مقیم اصفهان از تشکل‌های مردم‌نهاد اسفرجان است که امید است با بهره‌گیری از خیل تحصیلکردگان متعدد خدمات شایسته‌ای به دیار آباء و اجدادیشان، اسفرجان کنند.

درصدد عمده‌ای از جمعیت این دیار را تیره‌هایی از ترکان قشقایی تشکیل می‌دهند که با مشی نیکو در شغل‌های دامپروری و زنبورداری مشغول‌اند. آب و برق و گاز و قرار گرفتن در کنار محور شمال جنوب کشور، وجود قطب صنعتی، گردشگری، هوای مطبوع، ظرفیت‌های مناسب برای کشاورزی و دامپروری، نیروی انسانی ماهر و تحصیلکرده و... از ظرفیت‌های مناسب جهت سرمایه‌گذاری و توجه مسوولان در جهت عمران این خطه از کشور است.

مکتب خانه‌های متعدد در اسفرجان حتی برای زنان نیز مکتب‌خانه‌ای توسط مرحوم گوهرشاد اعتمادی که از فرزندان اعتمادالدوله (صدر اعظم شاه سلطان حسین صفوی) بود، در این دیار برپا بوده که به زنان خواندن قرآن و ادعیه مذهبی را آموزش می‌داده است.

این آموزش‌ها زمینه را برای پایه‌گذاری آموزش به سبک نوین مهیا کرده است و مرحوم علی اصغر ایرج در سال ۱۳۰۷ اولین دبستان را به نام هاتف راه‌اندازی کرد و چندین نسل را خود آموزش داد و معلمان توانا را از جاهای مختلف برای آموزش به فرزندان این خطه، دعوت کرد و خود سکندار آن دبستان شد، و امروز بیشتر تحصیلکردگان اسفرجانی به صورت مستقیم و غیرمستقیم از زحمات او بهره برده‌اند و شکوفایی کنونی علم و فرهنگ اسفرجان مدیون اندیشه خیرخواهانه آن بزرگ مرد است. تقدیم بیش از یکصد شهید و از آن جمله سردار بزرگ شهید سید ابراهیم میرکازمی، جلوه‌ای دیگر از عمق خردورزی و آرمان‌گرایی مردم اسفرجان است و همین حقیقت بود که اینجا را به عنوان نمونه در دهه ۶۰ در سطح استان معرفی کرد و مصداق این شعر نمود که: «دیاری کهن، مردمی نیک خو/ مبارک پی و راد و فرخنده خو/ که رزم بیسگانه از خویشتن/ به دانشوری شهره انجمن»

مردم‌شناسی؛ از ذوالفنون تا افشین یداللهی

از جمله شاعران این دیار باید از مرحوم عباس وزیری (وکیل‌الرعايا)، محمد حسن افکار و از شعرای کنونی می‌توان از مرحوم بهروز سلطانیان، متخلص به «ریحان» صاحب منظومه‌ها و مجموعه‌های شعری متعدد و همچنین





به گفته نویسنده کتاب «اسفرجان»، آب نسبتاً فراوان و زمین‌های وسیع می‌تواند بهترین گزینه برای ترویج کشاورزی مدرن و پیشرفته و رونق دامپروری در این منطقه باشد. او همچنین بر اهمیت صنعت گردشگری در زنده کردن مناطق پر قوت اما مغفولی مانند اسفرجان، هونجان و امین‌آباد تأکید کرد. اگر مایل به بازدید از روستای خوش آب و هوا و آرام اسفرجان هستید و به اطلاعات بیشتری درباره منطقه نیاز دارید، می‌توانید با آیت الله قاسمی (۰۹۱۳۶۵۳۸۵۲۵) نویسنده کتاب «اسفرجان در گذر ایام» تماس بگیرید.

گردشگر: نگارنده مطلب «اسفرجان» مطلبش را با امید به این که به داشته‌های بالفعل و بالقوه این منطقه توجهی در خور شود، به پایان برده است. او تأکید می‌کند: «منطقه‌ای با این شرایط و امکانات و ظرفیت‌های ارزشمند، چطور اکنون به وضعیت رقت‌باری دچار شده است که قابل بیان نیست و هر روز مهاجرت و تعطیلی مراکز خدمت‌رسانی ضربه‌ای به عمران و سرزندگی این دیار وارد می‌کند؟ و چطور دباری که روزی تا حدود پنج هزار جمعیت را در خود داشته، اکنون رو به خاموشی و سردی غم‌فزایی پیش می‌رود؟»



ارزن، گندم، شاهدانه، تخم کتان، تخم گل فقط لطفاً از پفک و چیپس برای غذا دادن به پرندگان استفاده نکنید. توضیحات و عکس‌های شما از این اقدام در شماره آینده منتشر خواهد شد.

«گردشگر» شما را به چالش «یک مشت دانه» دعوت می‌کند!

فصل زمستان با سرمایش برای پرندگان یک تهدید محسوب می‌شود. برای همین است که خیلی از طبیعت‌دوستان تمام تلاششان را برای نجات زندگی پرندگان در این فصل به کار می‌گیرند. مهدی گلی، راهنمای تور و طبیعت‌گرد با راهاندازی رویدادی با عنوان «چالش یک مشت دانه» در شبکه اجتماعی، از همه دعوت کرد به پرندگان غذا بدهند و عکسی از این اقدام در صفحه این رویداد منتشر کنند. او در متن این دعوت نوشته است: «فصل زمستان با همه زیبایی‌هایش برای شماری از گونه‌های جانسوری به ویژه پرندگان ریزجثه مخاطراتی را به همراه دارد که از جمله آنها می‌توان نایاب شدن مواد غذایی را عنوان کرد. در این فصل با وجود اینکه پرندگان شهرمان نیازمند سرپناهی گرم و غذایی مناسب برای ادامه حیات هستند افرادی طبیعت دوست از روی مهر و محبت با ایجاد پناهگاه‌هایی و قرار دادن دانه و غذا

به یاری آنان می‌شتابند و از پشت پنجره پرندگانی را که به شوق رفع گرسنگی به آنها پناه می‌آورند به نظاره می‌نشینند. گنجشک‌ها، کبوتران، یاکریم سارها، کلاغ، دم جنبانک و حتی گاهی طوطی، قناری، بلبل و دارکوب از عمده پرندگانی هستند که از ته مانده غذا یا دانه‌های پاشیده شده از سوی شهروندان در نقاط مختلف استفاده می‌کنند.»

به نوشته او، قرار دادن غذا در دسترس پرندگان باید تنها به فصل زمستان و هنگام بارش برف ختم شود در غیر این صورت پرندگان به یافتن غذای آماده عادت کردن و در صورت نبود غذا تلف می‌شوند. بنابراین ما نیز از همه شما که برای زندگی موجودات زنده، اهمیت قائل هستید، دعوت می‌کنیم به چالش «یک مشت دانه» بپیوندید. برای کاکایی‌های سرسیاه، کبوترها، گنجشک‌ها و انواع پرندگانی که در محل زندگی، کار یا مقصد سفرتان می‌بینید، دانه‌های خوراکی

گردشگری را معادل لابلالی‌گری توصیف کرده‌اند

معاون فرهنگی و اجتماعی دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد با بیان اینکه بار اصلی صنعت گردشگری ایران بر دوش بخش خصوصی است، گفت: بخش خصوصی با تمام توان خود چرخ این صنعت را به گردش درآورده و باید به نحو شایسته از آنها تجلیل شود. به گزارش ایسنا، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی زم با تأکید بر اینکه امروزه بیش از ۵۷ کشور دنیا درآمدی جز از طریق جذب گردشگر ندارند، یادآور شد: آمارهای گردشگری رو به افزایش است، تعداد گردشگران دنیا از ۲۰ میلیون به یک میلیارد گردشگر رسیده است و درآمد ۱۲۰۰ میلیارد دلاری گردشگری در سال ۲۰۲۰ به دو هزار میلیارد دلار خواهد رسید. او در ادامه با بیان اینکه مشکل گردشگری ما اقتصادی نیست، گفت: ما در بخش گردشگری مشکل عقلانیت، اندیشه، نگاه و بینش داریم. عقلی باید مرتب بر این کار باشد، چراکه نگرانی‌های ما در بیشتر مسائل فکری است و گردشگری را معادل لابلالی‌گری توصیف کرده‌اند که باعث می‌شود، دین، فرهنگ، آیین و مذهب ما از بین برود. در شرایط کنونی اگر تمام مشکلات فکری و بینشی برطرف شود، مزیت ما در این بخش افزایش خواهد یافت. ۲۰۰ میلیون شیعه در جهان داریم که وجود مبارک امام هشتم و خواهر ایشان پتانسیل مناسبی است؛ اما روی این مزیت کار مناسبی نکرده‌ایم، در حالی که اگر یک فرد شیعه سه روز در مشهد بماند، می‌تواند چند روز دیگر هم برای گردش در سایر مناطق وقت بگذارد. معاون فرهنگی و اجتماعی دبیرخانه شورای هماهنگی مناطق آزاد گفت: ما باید گردشگری مذهبی را در کشور توسعه دهیم. در این زمینه سالانه می‌توانیم ۲۰ میلیون گردشگر از کشورهای همسایه مثل عراق جذب کنیم. مردم عراق اردات خاصی به امام رضا (ع) دارند و اگر ما روی کشور عراق متمرکز شویم، می‌توانیم سالانه بین ۵ تا ۷ میلیون گردشگر وارد کشور کنیم. زم گردشگری سلامت را دومین مزیت موجود در ایران دانست و بیان کرد: با توجه به وجود متخصصان و افراد با تجربه در رشته پزشکی می‌توانیم از این پتانسیل استفاده کنیم. مزیت دیگر ما در این است که هفت منطقه آزاد در هفت اقلیم و آب‌وهوای مختلف وجود دارد که گردشگر خارجی برای ۱۴ روز اقامت در آن ویزا نمی‌خواهد و از این ویژگی می‌توان به نحو مطلوب استفاده کرد.

گردشگری دریایی گیلان در خشکی!

کشتی میرزا کوچک خان در هاله‌ای از ابهام مانده است. از سویی سازمان میراث فرهنگی قول رسیدگی به مشکلات این کشتی داده و به حرفش عمل نکرده و از سویی دیگر سازمان بنادر برای ساخت اسکله اختصاصی هنوز به نتیجه‌ای نرسیده و معتقد است که این موضوع امکان‌پذیر نیست. مالک این کشتی می‌گوید: «مدیران میانی سازمان میراث فرهنگی موانعی را برای به آب افتادن این کشتی ایجاد کردند.» به گزارش خبرگزاری میراث فرهنگی، کشتی میرزا کوچک خان با قدمت تقریباً ۵۰ ساله‌اش به میراث فرهنگی تبدیل شده، اما گویا سازمان میراث فرهنگی تصمیم ندارد برای رونق آن تلاش کند. به جای آن، این کشتی را چون توپ به سازمان بنادر پاس داده و یا اینکه در نهایت می‌گویند در حال رسیدگی هستند و جالب‌تر اینکه قول می‌دهند، اما بعدها می‌گویند که اطلاعاتشان به روز نیست. این است عاقبت گردشگری دریایی در ایران؛ عاقبتی که نه ابتدا و نه انتهایش معلوم است و حتی هیچ متولی ندارد. داریوش توکلی، مالک کشتی میرزا کوچک‌خان در خصوص نتیجه قول‌های مسوولان به CHN، می‌گوید: چرا این سوالات را از من می‌پرسید؟ باید از مسوولان سازمان میراث فرهنگی پرسید. رضا علیزاده، مدیر کل سازمان میراث استان گیلان همه مشکلات را به گردن سازمان بنادر و مالک کشتی می‌اندازد و می‌گوید: مالک کشتی قبول نکرد که اسکله‌ای برای کشتی میرزا کوچک‌خان در نظر بگیریم و از سویی سازمان میراث فرهنگی سیاستگذار است و در این خصوص باید سازمان بنادر و یا بخش خصوصی سرمایه‌گذاری کنند. داریوش توکلی، مالک کشتی میرزا کوچک‌خان در گفت و گو با CHN، با اشاره به اینکه مسوولان سازمان میراث فرهنگی و معاون سرمایه‌گذاری این سازمان قول‌های مساعدی دادند، ابراز کرد: اما وقتی به بدنه و مدیران میانی می‌رسیم کار خراب می‌شود. او توضیح داد: همه مشکلات او با مدیران میانی سازمان میراث فرهنگی است. به گفته او، همه چیز در حد حرف باقی مانده است.

کشف پادشاهی جدید در تاریخ عیلام با خوانش کتیبه‌ای در موزه خودروی ایران

آن در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود و دو کتیبه دیگر به زبان عیلامی است و مربوط به «اوتش نپیریش» پادشاه شناخته شده دوران عیلام میانه است. خوانش این کتیبه‌ها توسط پارسا دانشمند از دانشگاه آکسفورد و میثم عبدلی، از دانشگاه علامه طباطبائی انجام شد. این دو، کارشناس زبان‌های باستانی هستند که سال گذشته برحسب اتفاق متوجه وجود چهار کتیبه خط میخی در خزانه سازه‌های معماری موزه خودرو شدند. همچنین نتیجه این پژوهش و رمزگشایی در سایت معتبر CDLI، معتبرترین مرکز برای پژوهش‌های خطوط میخی وابسته به دانشگاه‌های آکسفورد، کالیفرنیا و مرکز ماکس پلانک آلمان منتشر شده است.

بر پادشاهی او در دست نیست و هر کتیبه‌ای که تاکنون به «ایگی هلکی» نسبت داده شده، مربوط به «ایگی هت» است. به این ترتیب، پادشاهی جدید در تاریخ عیلام و ایران به نام «ایگی هت» معرفی شده است. به گفته این متخصص این پژوهش نکات مهمی را درباره تاریخ ایران باستان روشن کرد که تنها نمونه‌ای است تا نشان دهد اگر موزه‌ها با پژوهشگران همکاری کنند بخش اعظمی از تاریخ پنهان ایران می‌تواند عیان شود. کشف پادشاه «ایگی هت» از خوانش یکی از این چهار کتیبه موجود در موزه خودرو رمزگشایی شد. یکی از سه کتیبه دیگر بخشی از کتیبه آشور نصیر پال دوم، پادشاه آشور است که نسخه اصلی

خوانش چهار کتیبه میخی که در موزه ملی خودروی ایران نگهداری می‌شوند منجر به کشف و معرفی یک پادشاه جدید در حکومت عیلامیان شد. به گزارش مهر، پارسا دانشمند متخصص زبان‌های باستانی که به این کتیبه‌های تاریخی دست یافته، در این باره گفت: «در حین بررسی کتیبه‌ها مشخص شد که یکی از کتیبه‌ها متعلق به پادشاهی عیلامی است که پیش از آن نامش به اشتباه «ایگی هلکی» خوانده شده بود. متأسفانه این اشتباه در کتاب‌ها و مقالات تاریخ عیلام مکرر تکرار شد تا اینکه کتیبه موزه خودرو روشن کرد که نام این پادشاه «ایگی هت» است. «ایگی هلکی» هر چند پدر دو پادشاه عیلامی بوده، اما مدرکی دال

بازدید ۱۵ هزار گردشگر خارجی از روستای ایبانه

در ۹ ماه اول سال جاری، ۱۵ هزار و ۷۰۰ گردشگر خارجی از روستای ایبانه بازدید کردند. حسین یزدانمهر، سرپرست اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نطنز گفت: ورود گردشگر به این روستای تاریخی در قیاس با مدت مشابه سال قبل، ۳۷ درصد رشد داشته است. او با بیان اینکه گردشگران از ۴۲ کشور جهان بوده‌اند، افزود: گردشگران ایتالیا، اسپانیا و فرانسه به ترتیب مقام نخست تا سوم را در بازدید از ایبانه داشته‌اند و در این مدت بیش از ۴۱۰ هزار گردشگر داخلی نیز از این روستا دیدن کرده‌اند. روستای ایبانه جزو کهن‌ترین روستاهای کشور به لحاظ معماری سنتی است که آثار و ابنیه تاریخی از دوران هخامنشیان تا قاجاریه را در خود جای داده است.

نمایش آثار تمدنی ایران می‌تواند بسیاری از ایرانی‌ها را رافع کند

رییس جمهوری آثار و میراث فرهنگی را چراغی برای معرفی گذشته‌های دور یک ملت دانست و گفت: برگزاری نمایشگاه‌هایی که آثار تمدنی ملت ایران را به نمایش می‌گذارد، می‌تواند بسیاری از ایرانی‌ها را رافع کند. به گزارش مهر، حجت‌الاسلام حسن روحانی در مراسم رونمایی از ۳۴۹ اثر تاریخی - فرهنگی بازگردانده شده از بلژیک، در موزه ملی ایران اظهار داشت: این آثار تاریخ امروز ما را به گذشته دور متصل می‌کند و بیانگر نحوه زندگی و تمدن بزرگ ایران است که معرفی آن بسیار اهمیت دارد. روحانی گفت: این اشیاء نشان می‌دهد که چند هزار سال پیش ملت ایران چه تمدن بزرگی داشته، چگونه زندگی می‌کرده و یا برای دفاع از خود از چه ابزار استفاده می‌کرده است و ما هر چه بتوانیم در سطح وسیع‌تر میراث فرهنگی کشور را به جهان معرفی کنیم، افکار عمومی بهتر متوجه می‌شوند که ملت ایران از گذشته چه جایگاهی داشته و امروز نیز باید در چه جایگاهی قرار بگیرد.

ثبت رکورد جدید در گردشگری جمهوری چک

درآمد حاصل از میزبانی گردشگران طی یک سال گذشته ۱۰ تا ۱۲ درصد رشد داشته و به ۱۰۰ میلیارد کرونا رسیده است. به گزارش نیوز تراولر، براساس آماري که از سازمان جهانی گردشگری وابسته به سازمان ملل منتشر شده، صنعت گردشگری در سال ۲۰۱۴ در سراسر جهان شاهد رشد چشمگیری بوده و تعداد مسافران بین‌المللی از مرز یک میلیارد نفر گذشته است.

چک ضمن اعلام این خبر گفت: برخلاف این افزایش آمار، تعداد گردشگران داخلی بین دو تا سه درصد کاهش داشته است. براساس نتایج این تحقیق، تعداد مسافران یک شبه جمهوری چک در سال گذشته میلادی با دو درصد کاهش به ۴۲ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر رسید. با این حال تعداد میهمانان هتل‌های چک، خانه‌های مرزی و کمپ‌های مسافرتی به ۱۵ میلیون و ۱۵ هزار نفر افزایش پیدا کرد.

در سال میلادی گذشته هشت میلیون و ۸۰ هزار گردشگر خارجی راهی جمهوری چک شدند تا رکورد جدیدی برای صنعت گردشگری این کشور به ثبت برسد. به گزارش ایسنا، تعداد گردشگرانی که طی ۱۲ ماه گذشته جمهوری چک را به عنوان مقصد سفر خود انتخاب کردند، هشت میلیون و ۸۰ هزار نفر بود و این به معنای رشد سه درصدی صنعت گردشگری این کشور است. اداره آمار



سواحل خلیج فارس و مکران دارای پتانسیل گردشگری بالایی است

رئیس دولت تدبیر و امید با بیان اینکه سواحل خلیج فارس و مکران دارای پتانسیل گردشگری بالایی است، گفت: در طول تمامی سواحل جنوبی کشور با مکان یابی برای تاسیس شهرهای جدید و دهکده‌های توریستی می‌توان ظرفیت‌های گردشگری در این مناطق را افزایش داد.

بر اساس گزارش CHN، حسن روحانی در جلسه هیات دولت با تأکید بر اینکه اهمیت استان‌های حاشیه خلیج فارس و سواحل مکران برای توسعه و پیشرفت کشور بسیار مهم است، گفت: استان‌های جنوبی به ویژه استان‌هایی که دارای بنادر مهم و استراتژیک

هستند و به راه‌آهن سراسری کشور متصل می‌شوند، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار هستند که با اتصال به آب‌های آزاد جهان به توسعه صادرات و واردات و همچنین ترانزیت کالاها در منطقه و کل کشور کمک می‌کنند. او با بیان اینکه سواحل خلیج فارس، مکران و جزایر این منطقه شرایط بسیار آماده‌ای برای توسعه دارند، گفت: در این راستا دولت طرح‌های بسیار بزرگی برای جاده‌سازی در جنوب کشور در دست اقدام دارد.

در سفر استانی هیات دولت به بوشهر تصمیمات بسیار خوبی برای توسعه بنادر اتخاذ شد که ظرفیت بندر

بوشهر را به بیش از دو برابر افزایش می‌دهد. روحانی همچنین در خصوص برنامه دولت برای توسعه استان هرمزگان نیز اظهار داشت: با اقداماتی که در دستور کار قرار گرفته، تحول بسیار بزرگی برای حمل و نقل کالا، صادرات و واردات، در بندرعباس در مسیر تحقق است.

وی به پتانسیل بالای گردشگری در سواحل خلیج فارس و مکران اشاره کرد و گفت: در طول تمامی سواحل جنوبی کشور با مکان یابی برای تاسیس شهرهای جدید و دهکده‌های توریستی می‌توان ظرفیت‌های گردشگری در این مناطق را افزایش داد.

برگزاری انتخابات هیات مدیره جدید انجمن راهنمایان گردشگری استان اصفهان

انجمن صنفی کارگری راهنمایان ایرانگردی و جهانگردی استان اصفهان اولین و قدیمی‌ترین انجمن راهنمایان کشور است که در سال ۱۳۷۹ تاسیس شد. انتخابات هیات مدیره جدید این انجمن در تاریخ یکم بهمن با حضور ۶۶ نفر از اعضای انجمن برگزار شد که شیرین مسالانی، عباس خرم روز، پژمان عزیزی، سید علی بحرینی و مریم هداییان به عنوان اعضای اصلی هیات مدیره جدید و سید مجید رضا نیلی پور به عنوان بازرسان اصلی انجمن به مدت سه سال انتخاب شدند. دبیر انجمن صنفی کارگری راهنمایان ایرانگردی و جهانگردی استان اصفهان با اشاره به اینکه این انجمن سال گذشته پس از حضور در گردهمایی بزرگ راهنمایان کشور در کرمان، سعی کرد تا روابط و نقش فعال خود را در حوزه‌های برون استانی و کشوری بیشتر کند گفت: سفر به دو استان همدان و زنجان برای شرکت در افتتاحیه انجمن صنفی این استان‌ها و روابط دوستانه موجب شد تا نماینده انجمن اصفهان در دومین انتخابات هیات مدیره کانون، رأی بالایی کسب کند و به عنوان عضو اصلی و خزانه دار کانون معرفی شود. عباس خرم روز در ادامه به برخی از مهم‌ترین اقدامات درون استانی انجمن در یک سال گذشته اشاره و تصریح کرد: شرکت در اولین نشست دبیرخانه هماهنگی راهنمایان گردشگری (۱۳۹۲/۱۰/۰۵)، تغییر مفاد اساسنامه و تغییر نام انجمن به "انجمن صنفی کارگری راهنمایان ایرانگردی و جهانگردی استان اصفهان"، برگزاری نشست‌های مختلف برای راهنمایان، تشکیل کمیته آموزش برای آموزش و بازآموزی راهنمایان اصفهان، تهیه پتل سامانه ارسال پیامک جهت اطلاع رسانی به اعضا به شماره ۵۰۰۲۱۷۰۰، پیگیری مستمر و گرفتن شماره کارت مجازی

برای حساب حقوقی جاری انجمن، برگزاری جلسات متعدد با سازمان میراث فرهنگی و مسولین دفتر هماهنگی (ریاست سازمان یا معاونت گردشگری) به منظور ایفای نقش بیشتر انجمن در تصمیمات مرتبط به راهنمایان و چگونگی صدور و تمدید کارت راهنمایان از مسیر انجمن، اختصاص مکان ویژه و ثابت جهت برگزاری جلسات و دفتر کار انجمن، میزان و نحوه افزایش نرخ دستمزد راهنمایان به صورت سالانه، چگونگی به کارگیری راهنمای محلی در سطح استان و پیگیری بیمه راهنمایان بخشی از اقدامات انجمن اصفهان بوده است. وی ادامه داد: برگزاری جلسات و پیگیری در تغییر نحوه اطلاع رسانی به پلیس اتباع بیگانه، برگزاری اردوی نیم روزه در کوه صفا اصفهان جهت آشنایی راهنمایان با فتنون کوهنوردی، برگزاری کارگاه نیم روزه در مراکز صنایع دستی و آشنایی راهنمایان با رمز و رموز و چگونگی تولیدات صنایع دستی، دعوت و شرکت راهنمایان در کارگاه آموزشی امنیت مجازی زیر نظر دفتر هماهنگی در کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان، برگزاری جلسات متعدد با نماینده صنف صنایع دستی پیرامون مشکلات و دعای آنها از نحوه حضور راهنمایان و تورها در بازار، برگزاری گردهمایی بزرگ راهنمایان جهت آگاهی از نحوه حضور در جشن مشهد و آشنایی با مدیریت جدید سازمان میراث فرهنگی، به روزرسانی اطلاعات مربوط به همه راهنمایان جدید ورود و قدیمی و اطلاع رسانی به آنها جهت عضویت در انجمن و حضور در گردهمایی روز راهنمایان در مشهد، برگزاری گردهمایی راهنمایان عضو برای تبادل نظر و همنشینی با اعضا و انتقال نقدینگی راکد انجمن به حساب پس انداز بلندمدت از جمله دیگر اقدامات انجمن اصفهان طی یک سال گذشته بوده است.

تنها یک غار از ۲۲۰۰ غار کشور به صورت استاندارد شناسایی شده است

است. با این حال می‌توانیم بگوییم که از بین دوهزار و ۲۰۰ غار موجود تنها ۲۰۰ غار فقط نقشه برداری شده‌اند. محمدابراهیم صافی، رئیس انجمن عکاسان میراث فرهنگی و عضو موسسه توسعه هنرهای تجسمی ایران و داور جشنواره به همراه نامور عباسیان، عضو انجمن عکاسان مطبوعات و انجمن میراث فرهنگی و گردشگری و عکاس منتخب حوزه محیط زیست و ناصر میزبانی و بهزاد ترکی‌زاده از عکاسان برتر ایران به همراه فیلیپ کروچه از عکاسان فرانسوی تیم پنج نفره داوران این جشنواره را تشکیل داده‌اند.

قابل دسترس نیستند، تصمیم گرفته شد زیبایی‌ها و زشتی‌های آنها به زبان گویای عکس معرفی شود و با نشان دادن اتفاقات زیبا و زشت با عکاسی از دل این دنیای زیرزمینی، مردم را با غار آشنا کنیم. جواد نظام دوست نیز در این برنامه گفت: از نظر استانداردهای جهانی به جز غار شاپور هنوز هیچ غاری در کشور شناسایی نشده است. منظور از استانداردها این است که باید زیست‌شناسی، شرایط آب و هوایی، قدمت و تاریخ، نقشه برداری و مطالعات گسترده‌تر غار انجام شده باشد، ولی این کارها هنوز برای غارها انجام نگرفته

رئیس هیات مدیره انجمن غار و غارشناسی ایرانیان گفت: در بین ۲۲۰۰ غار موجود در کشور به جز غار شاپور، هنوز هیچ غار دیگری از نظر استانداردهای جهانی، شناسایی نشده است. به گزارش مهر، جشنواره دوسالانه عکس غار به همت انجمن غار و غارشناسی ایرانیان و فراهم کردن شناخت و آگاهی بیشتر برای علاقه‌مندان به دنیای ناشناخته غارها برگزار شد. جواد نظام دوست، مسوول این جشنواره و رئیس هیات مدیره انجمن غار و غارشناسی ایرانیان گفت: با توجه به اینکه غارها فضای دست نیافتنی و مورد توجه هستند و بسیاری از آنها